

# کاندیداهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر برای مجلس شورای ملی



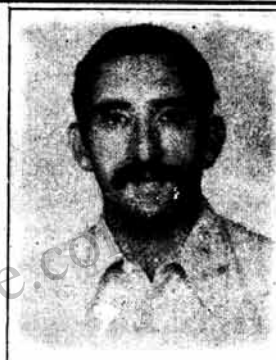
رفیق قاسم عابدسی  
(بروجرد)



رفیق حسین احمدی روحانی  
(تهران)



رفیق مهتری حیدرزاده  
(تهران)



رفیق مرتضی (حسین) آلابوش  
(تهران)



رفیق علیرضا سیاسی آشتیانی  
(تهران)



رفیق محمد رحیم طارانی  
(تبریز)



رفیق حمید سیداحمدیان  
(تبریز)



رفیق محمدخلیلی  
(سقز)



رفیق شهین قادری  
(سنندج)



رفیق مسعود بورکرم  
(بندر انزلی)

## دعوت به میتینگ

بدین وسیله به اطلاع کلیه هموطنان مبارز می‌رسانیم، سازمان مادر آستانه انتخابات مجلس شورای ملی میتینگی ترتیب خواهد داد که در آن دوتن از کاندیداهای تهران، رفقا:

۱- علیرضا سیاسی آشتیانی  
۲- حسین احمدی روحانی

سخنرانی خواهند کرد.

مکان: دانشگاه صنعتی (شریف)

زمان: ساعت ۳ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹

توطئه ارتجاع در کردستان در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی صفحه ۴  
سازمان مجاهدین خلق در دام توهّمات لیبرالی! صفحه ۱۰  
مبارزه کارگران شرکت نفت - ایرانشهر صفحه ۱۵  
انتقاد از خود به سبک "سه جهانی" صفحه ۱۵  
کارگران مبارز قرقه زینا شورای تحمیلی را نپند برفتند صفحه ۱۵  
گرامی باد خاطره رفیق شهید مرتضی خاموشی صفحه ۱۶  
کارنامه ۱۷ سال مبارزه رفیق حسین احمدی روحانی صفحه ۵  
دومین سالروز قیام تبریز گرامی باد! صفحه ۲

**کارگران، زحمتکشان، نیروهای انقلابی و مترقی به کاندیداهای ما رأی دهید!**

# مجلس را به سنگر دیگری برای افشای امپریالیسم و ارتجاع تبدیل کنیم! کارگران و زحمتکشان! هموطنان مبارز!

گشته اند برایتان با زگومی کنیم، نه برای کاسبکاری و سوداگری، نه برای منت گذاشتن بر کسی، نه! برای اینکه شما نشان دهید که کسانسی در راه مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و بیخا طرها شی کارگران از قید استعمار دقا نه وفداکارانه حاضر بودند تا پای جان پیش روند. و چه کسانسی در همین سالها ما نندموش درسورا خها یشان خزیده بودند. آری لازم است و بسیار لازم است که زندگی نامه این چنین رفقا را دهها بار رو دهها بار به شما نشان دهیم تا فرصت طلبان و میوه چستان، خاشاکین بخلی، بورژواهای حریص و در کمین و کسانیکه مثل موش در این سالها درسورا خها یشان خزیده بودند، افشا و رسوا شوند. آنها به سورا خها یشان خزیده بودند تا در فرصت مناسب برگردند، خلق و موم مبارزان آنها سوار شوند و زهر سازشکاری و خیانت خودشان را بر حرکت مردم و بریدن انقلاب فروریزند. آری، زندگی نامه این رفقا و گدبه تنهائی میتوانند بسیاری حقایق را روشن نماید. می توانند افشاگرانه هیت بسیاری از کسانسی باشد که بر موم مبارزان مردم سوار شدند و زانجام هم کثیف ترین خیانتها و ضربات را بر همین انقلاب زدند. آری می توان گفت این ضربات و خیانتهای بعد از قیام ارتشاطی با آن خانه نشینیها، "مهاجرتها" خارج نشینیها و خیانت های گذشته آنان نداشتند است؟ خیر. اینها دقیقاً دو روی یک سکه هستند. انقلاب را فقط انقلابیون راستین می توانند رهبری کنند. این قانون بی چون و چرای انقلاب است. هر زمان که سرنوشت و رهبری انقلاب بدست بازگان - ها، بزده ها، فطربزده ها، چمران ها، بنی صدر - ها، صاغان ها و ولیست طول و درازی از کسانسی که یک عمر با بخت و ذلت تن دادند و پیا فراریه خارج را برقرار تر حیح دادند و پیه مبارزه مردم پشت نمودند، آنوقت نتایجش همین می شود که در این یکسال شاهد بودیم. بی جهت و تصادفی هم نبود و نیست در حالیکه تنها یکسال از قیام عظیم و شکوهمند خلقهای قهرمانان می گذرد مردم احساس می کنند که کلاه بزرگی بر سرشان رفته و غیر از افراد بسیار معدودی که در این سیستم به اعتبار گذشته آنها، به این سیستم حیثیت می دهند، اکثریت نزدیک به اتفاق آن آنها مشتاقی حامی امپریالیسم و لیبرال مرتجع و شباد، کاسبکاسیاسی هستند. ولی خلقی که قیام ما را از سر گذراند، انقلابیونی که در بدترین شرایط دیکتاتوری مبارزه نمودند و مخال است به بورژواهای نوسریده و فرمل طلب و خاشاکینی که انقلاب را به این بست کشا نندند محال دهند که براضی بتوانند برگردند مردم حکومت کنند. آنها دیرپا زود این فرصت طلبان و مرتجعین نوسریده را به جایگاه تاریخی خویش خواهند فرستاد. کما - اینکه تا همین امروز نیز به مدد افشاگریها و فعالیت های انقلابی انقلابیون و بخصوص کمونیستها، پشه بسیاری از این شیادان بر روی آب افتاده است. و خواهیم دید که چگونه بقیه نیز یکی بعد از دیگری تکلیفشان روشن می شود!

اینک با این توضیح به معرفی کاندیداهای خود میپردازیم و از کلیه کارگران و زحمتکشان و هموطنان مبارز و از کلیه نیروهای انقلابی و مترقی میخواهیم که برای تقویت هر چه بیشتر ترف نیروهای خلق از کاندیداهای سازمان ما پشتیبانی کنند ■

با حیل و نیرنگ آنان را می فریبند، آنها خود را بقول خودشان حامی "مستضعفین" معرفی میکنند در حالیکه با خودکارخانه داران روزمین دار هستند و با خدمتگزاران و نماینده آنها، آنها بخصوص دم از اسلام می زنند تا از احساسات مردم سوء استفاده کنند، در حالی که زحمتکشان خود در همین یکسال اخیر شاهد بودند که چه چهره های متفلسفانه که سبها آنها بر همه معلوم نگردید. بنا بر این کارگران و زحمتکشان! شما که در همین یکسال گذشته شاهد کردار و عمل بسیاری از خرافان و بیبرگوهائی تیرنگ با از خاشاکین لیبرال ترفتمتا خرده بورژواهای مرفه بوده اید هرگز نتایجید صرف حرف بظا هر خوب به کسی اعتماد نکنید. در این میان یکی از معیارهای شما با بستی سوابق کاندیدانها در دوران شاه باشد. لازم است همه بدانند که کسانسی که امروز خود را "انقلابی" و "حامی مستضعفین" معرفی می کنند در گذشته و در زمان شاه چه می کردند؟ آیا طرفدار قانون اساسی بوده اند؟ آیا خارج نشین و فرصت طلب بوده اند؟ آیا فقرا، بیسوادان و نماز جماعت در مساجد و آهسته آهسته آمدن مشغول بوده اند؟ و یا برعکس در گذشته با تمام وجود و فداکاری علیه نظام سلطنتی، علیه امپریالیسم و علیه استعمار و استعماریت بیگانه کرده اند؟ آری کاندیدی که شما انتخاب می کنید باید مبارز و انقلابی بیگمرد زمان شاه، و همواره راه و فادار به زحمتکشان باشد. بر این اساس است که ما کاندیداهای خود را بشما معرفی می کنیم. ما سوابق مبارزاتی آنها ورنجه و مصائبی را که آنان در طی سالهای دراز در مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم محمصل

اینک در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار گرفته ایم. انتخاباتی که برای زحمتکشان یک معنا و برای سرمایه داران و زمین داران بزرگ و زالیوسف و برای تجار و ثروتمندان معنای دیگری دارد. کارگران و دیگر زحمتکشان در این انتخابات شرکت می کنند تا بلکه مدبری از خواسته های خود در رسد. استقلال، رفاه و آزادی برسند. آنسان نباید وجود را بر اساسی که ناچه در برای آنها دلجو است ناچه در درها ورنجهای آنان را درک می کند. اسباب می کنند. اما سرمایه داران چگونه؟ پس در این حطور؟ و بخار و ثروتمندان چگونه به سخنان می تگردند؟ آنها به استعمار بیشتر؟ غارت سیر و بهره کشی بیشتر فرمی کنند. و نمایندگان خرد و سیر جیبی اساسی انتخاب می کنند. آنها سبب را به سببندگی انتخاب می کنند که شود و در سیرا برای آنها تضمین کند. آنها دنبال می رود که "نظم" و "امنیت" مورد نظر آنها را برقرار سازد. نظم را منبستی که یکجا نبه است و فقط به سود سرمایه داران و تجارنا میشود. نه به نفع زحمتکشان. اما آیا نمایندگان سرمایه داران و زمین داران در کوه و باران فریاد می زنند که ما سیرای عدمت سرمایه داران و برای تضمین بیشتر غارت و استثمار گران بدخل می رویم؟ آیا آنها به زحمتکشان می گویند که ما برای باعمال کردن حقوق شما به سببش می رویم؟ هرگز! آنها اینقدر احمق نیستند. آنها خوب می دانند که اکثریت مردم ما معرا کارگران و زحمتکشان تشکیل می دهند. بنا بر این سبب رای آنها سبب زارند. پس با حرف های خوش آب و رو شک و

## دومین سالروز قیام تبریز گرامی باد!

در آوردند و مظلومانه به مرامی داری وابسته شاه را به آتش کشا نند. رژیم در برابرترین انفجار بظا هر ناگهانی شدت هراسان گردید و تمام قوای خود را در خاموش ختن و سرکوب این قیام و اثرات بعدی آن بکار برد. اما جنبش از آنچنان توان و نیروئی بر خوردار بود که به این سادگیها قابل مهار شدن نبود. آتش که در تبریز به پا شده بود سرعت به نقاط دیگر گسترش یافت و از آن پس گامهای انقلاب با سرعتی بیشتر، کیفیتی بالاتر و توانائی بس نیرومندتر برداشته می شد.

ویژگی حرکت افتخار آفرین تبریز را باید در عظمت و یکپارچگی و در خلعت کمال قهرآمیز آن نسبت به سلطه امپریالیسم و عوامل داخلی آن دانست. این نخستین بار در دوران اعتلای انقلابی نبود که مردم اجتماعات و تظاهرات گسترده و همگانی برپا می ساختند، اما نخستین بار بود که حرکتی اینچنین خشم آگین و توده ای نسبت به مظاهر استعمار و

۲۹ بهمن ۱۳۵۶، نقطه ای حساس و افتخار آفرین در انقلاب دموکراتیک و فدا امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران و سرآغازی خونین سربکدوره توفانی از مبارزات انقلابی مردم تحت ستم است. حرکت قهرمانانه خلق تبریز در آن روز در شرایطی رخ داد که انقلاب کامهای اولیه خود را با مبارزات مردم خارج از محدوده تهران، تظاهرات وسیع دانشجویی، اعتصابات کارگری و بلاخره حرکت دلاورانه مردم در ۱۹ دی برداشته بود و میرفت تا توقفان عظیمی در سراسر نقاط ایران برپا سازد. تنها جرعه ای کافی بود که حرکت سریع اما با لنسبه آرام انقلاب را به قیامها و شورشهای خونین و به مبارزات قهرآمیز سوده ها تبدیل کند و این جرعه در تبریز حاصل شد. جنایت یکی از مزدوران رژیم در اجتماع مردمی که بمناسبت چهلم شهدای قهرآمیز بوده بودند، آنچنان آتش خشم و نفرت دیرینه توده ها را شعله وریخت که شهر تبریز را یکباره در لهب سوزان خود فرو برد. مردم بخشم آمده از جنایات رژیم و از سلبان در راستم و استعمار و غارتگری شهر را برای ساعاتی چند به تصرف

بقیه در صفحه ۱۵



## ۱- رفیق علیرضا اسپاسی آستینانی

رفیق در سال ۱۳۲۳ در آستیان در خانواده‌ای متوسط متولد شد. سنین کودکی ونوجوانی را در همانجا گذراند و در سن ۱۵ سالگی به تهران آمد. در رابطه با جوسپاسی - مذهبی خانواده اش سرعت به مسائل سیاسی رو آورد و از همان زمان نسبت به مبارزه، از خود شور و شوق فراوان نشان داد. در سالهای ۳۹-۴۲ که مبارزات توده‌ها علیه امپریالیسم و رژیم ارتجاعی شاه رشد و اوج نوینی یافته بود، دورانی است که او با مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه بیشتر آشنا شده و به این مبارزات کشیده می‌شود. این مبارزات توده‌ای که در آن موقع عمدتاً حول شرکت درس خنثی‌ها و محافل سیاسی مذهبی و شرکت در نظرات خیابانی و میتینگ‌ها دور میزد، وی را که در آن موقع فردی مذهبی بود بر آن داشت که در جستجوی بزداشتهای مبارزه جویانه از مذهب رود و نتواند بدین مبارزات خود را هر چه بیشتر تعمیم بخشد. در همین دوره است که او به اختلافات فاحش طبقاتی جامعه و رنج و بدبختی میلیونها توده زحمتکش تحت ستم جامعه و فقر و بیچارگی آنان و همینطور چهره گریه رژیم تبه‌کار و غارتگر شاه می‌برد و این مسئله نقش بارزی در شکل گیری روحیه و طرز تفکر مبارزاتی و ضد استعماری او بحای می‌گردد. او در اوایل خرابین دوره هدف اصلی زندگی خویش را با زیا فته و به مبارزه انقلابی با رژیم شاه به عنوان یک تمهید انقلابی و مذهبی و بعنوان یک امر مقدس فکرمیکند. او به دانشگاه فکرمی کند و به مبارزات آن، اوقیل از ورود به دانشگاه و در بدو آن قبل از آنکه بخود دانشگاه فکر نماید، به مبارزات پرشوری که در آن جریان دارد می‌اندیشد. شور و شوق مبارزات دانشجویان در آن زمان رفیق را همانند بسیاری از هموطنان مبارز که دانشگاه و دانشجوین انقلابی را سنگر شکست نا پذیر مبارزات خلق می دانستند، ستایش و امید داشت و آرزو میکرد که بتواند خود در این سنگر قرار بگیرد. رفیق در سال ۴۲ با چنین ایده‌ای در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سنگردانشگاه همچنان که انتظار داشت امکان مناسبی برای مبارزه به

دست آورد.

با قیام ۱۵ خرداد یکبار دیگر مبارزات پر خروش خلق سرکوب شد. امپریالیسم با دیگر جنک و دندان نشان داد و رژیم وابسته شاه دوباره حاکمیت مطلق خویش را باز یافت. و چکمه پوشان شاه بر مردم مسلط گردیدند. حالت شکست و ناامیدی بر چهره توده‌ها ظاهر گشت. رفیق در دوره بعد از قیام ۱۵ خرداد که خود فعلاً در آن شرکت داشت هم‌اندیشی‌های به نا کافی بودن مبارزات غیر مسلحانه پی برده ولی در مقابل هنوز به زاهد حل کار ساز دیگری نمی‌رسد. داشتن تشکیلات و مبارزات مخفی و مسلح اولین چیزها می بود که ذهن بسیاری از روشنفکران و جوانان انقلابی ما در آن زمان بخود مشغول می نمود و رفیق نیز از آن جمله بود. به همین جهت زمانی که یک جریان مذهبی (حزب ملل اسلامی) با هدف سرنگونی قهرآمیز رژیم شاه بوجود آمده بود و با پیشنهاد همکاری و عضویت میدهد، او گویا گم شده خویش را در زمینه چگونگی مبارزه یافته و با عشق و شور فراوان به این گروه می‌پیوندد. مدت زیادی نمی‌گذرد که این گروه هم‌اندیشی‌های از گروههای آن زمان بدلیل ضعف و نبود تجربه سیاسی و نداشتن تفکر و اسلوب علمی مبارزه، به توریلیس افتاده، و تمام اعضای آن دستگیری شوند و او هم در آن میان سال ۴۲ دستگیر و در زندان ۵ ساله محکوم میگردد. زندان فرصت مناسبی برای آشنائی با مسائل سیاسی و مبارزاتی برای او فراهم میکند. رفیق در سال ۴۶ با عزمی راسخ تراز گذشته برای مبارزه علیه رژیم شاه از زندان آزاد میشود. بلافاصله بعد از آزادی علیرضا بنده مستقیم و غیر مستقیم از طرف ساواک تحت نظر قرار می‌گرفت، با استفاده از تجربیات گذشته در زمینه مخفی کاری، به اتفاق دو نفر از همزمان سابقش، گروهی مذهبی بنام "حزب الله" را پی ریزی می‌نمایند. این گروه بعد از نیمه دوم سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران می‌پیوندد. و زندگی مخفی رفیق از همین زمان آغاز می‌شود. در دوران سازمان مجاهدین خلق رفیق از جمله رزمندگان پر شور و فعال بود، از عملیات نظامی مهم رفیق در این دوره شرکت در یک خلع سلاح ناموفق و سپس فرار از چنگ پلیس و دیگری اعدام انقلابی سر تیپ سعید طاهری افسر جنا پتکار رژیم شاه بود که به اتفاق شهید محمد مفیدی انجام داد. این عملیات که در آن یکی از منفورترین افسران جنایتکار رژیم شاه که دستش بخون صدها شهروندان ما آغشته بود و نقش فعالی در سرکوب قیام ۱۵ خرداد داشت اعدام انقلابی گردید، مورد استقبال وسیع توده‌های خلق ما قرار گرفت. رژیم بدلیل حساسیت و نفرتی که بخصوص بخاطر شرکت رفیق در این اعدام انقلابی نسبت به او داشت، خانواده اش را مورد آذواذ ایست فراوان قرار داد. رفیق علیرضا در طی ۷ سال کار مخفی و زیرزمینی چندین بار از چنگ مزدوران ساواک و پلیس آریا منبری فرار می‌نماید. او در طی دومسافرت به خارج در رابطه با ما موریت‌های سازمانی چهار

بار از مرز گذشته و در طی این مسافرت‌ها یکبار در مرز ایران توسط ژاندارمری با هویت جعلی دستگیر می‌شود که با طرح حمل‌های مناسب آزادی می‌شود. بار دیگر در افغانستان در رابطه با هویت جعلی در زمان داودخان دستگیر و بمدت یکماه در آنجا زندانی می‌شود. رفیق بعداً با طرح حمل مناسب از زندان آزاد و تحت نظر رسمی قرار می‌گیرد، و با استفاده از فرصت مناسبی فرار می‌نماید. ایدئولوژی و تفکر سازمان مجاهدین خلق ایران که توسط بنیانگذاران اولیه آن تدوین شده بود، چیزی بود که از همان ابتدای رفیق با توجه به روحیه ضد استعماری و مبارزاتی اش از یک طرف و داشتن طرز تفکر مذهبی از طرف دیگر به دنبالش می‌گشت از این جهت این سازمان در آن شرایط زمینه رشد خوبی از نظر سیاسی برایش فراهم می‌کند. ولی تفکر و ایدئولوژی مجاهدین علیرغم تمامی گیرایش در سیستم‌های مذهبی هرگز نتوانست طو حرکت او را گرفته و به بند کشد. و سرانجام رفیق با توجه به تمامی شناخت و تعاریفی که در مبارزه چندین ساله خود علیه امپریالیسم و شاه‌ها شن و علیه استعمار بدست آورده بود راه‌های واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان را در مارکسیسم-لنینیسم یافت و به آن کرویید.

رفیق در سال ۵۳ در رابطه با مسئولیت‌های تشکیلاتی مخفیانه به خارج کشور رفت و در این سفر بار دیگر در مرز افغانستان دستگیر و به مدت یکماه زندانی گردید و سپس موفق شد پس از فرار از چنگ ما مورین دولت داودخان از این کشور مخفیانه خارج گردد، او در طی سالهای که در خارج کشور بود از نزدیک در لبنان و عمان شاهد مبارزات عادلانه خلقهای فلسطین و عمان بود. و جای حقیقی خود را در خارج کشور نه در کناره فریب طلبان و دلالان سیاسی بلکه در رابطه با فعالیت‌های تدارکاتی سیاسی و تبلیغی سازمان در کناره این خلقها و توده‌های انقلابی دانشجویان ایرانی می‌یافت.

در شهریورماه ۵۶، همزمان با او حکمیری مبارزات توده‌ها و مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان رفیق مخفیانه و از مرز ترکیه وارد ایران گردید. و از این پس در هدایت و گسترش مبارزه ایدئولوژیک "مبارزه با سیاستها و نظرات و افکار ناپسند درون سازمان" علیه رهبری سابق و انحرفات آن و همچنین انتقادات مشی‌چریکی (مبارزه مسلحانه جدا از توده) نقش فعال و تشعبین کننده‌ای بسازی کرد و سهم مهمی در تغییر و تحولات نوین سازمان و زدودن آثار و عواقب انحرفات گذشته بعهده داشت. در جریان بیشتر مبارزه علیه نظرات گذشته و هنگامیکه بسیاری از عملکردهای نامصحیح گذشته افشا و طرد گردید و رهبری سابق از سازمان اخراج شد و زمانیکه سازمان پیکاریمت به شمره تلاش بزرگی که رفیق از سازمان از یکسال و نیم قبل در درون بخش منشعب شروع کرده بودند اعلام موجودیت کرد. رفیق در کناره دیگر رفقای پیش بقا لبیب مبارزاتی خود در درون سازمان پیکارا داده داد.

\*\*\*

### مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عاقبت جویان



## ۲- رفیق مهری حیدرزاده

رفیق مهری حیدرزاده در ۱۶ فروردین ماه ۱۳۳۳ در تهران و در خانواده‌ای متوسط متولد شد. در دوران دبیرستان با مطالعه کتابهای سودمند و با تراز کفایت درجه‌ای انخاب مربوط به تکنجه انقلاب - بیون در زندان و... ذهن او متوجه مسائل سیاسی گردید. هنگامیکه رفیق در سال ۵۲ در رشته زیست - سیاسی دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول و وارد دانشگاه گردید اما مکانات بیشتری برای دنبال کردن مسائل سیاسی و شناخت بیشتر از اوضاع و احوال جامعه برای فراهم گشت. در همین زمان بود که او با رفیقی از یک محفل مارکسیستی - لنینیستی آشنا شد و به سرعت توانست با مطالعه کتابهای سیاسی - انقلابی و آشنائی با دردها ورنجهای زحمتکشان، شناخت لازم را برای شروع مبارزه‌ای علیه رژیم شاه و امپریالسم پیدا نماید. در سال ۵۴ محفلی که رفیق در آن فعالیت داشت توانست با بخش منشیان از سازمان مجاهدین خلق تماس برقرار نماید. از این پس رفیق زندگی عیسی را رها کرد و به همراه رفیق همسرش و دیگر رفقای محفل در سازمان عضویت پیدا کرد. در ابتدا او مدت کوتاهی در درون شاه‌نظامی در کنار رفیق شهید منیرزاده افتخاری فعالیت میکرد، سپس در بخش کارگری سازمان مشغول فعالیت گردید، گرچه در آزمون بدلیل حاکمیت منشی نادرست، رفقا از فعالیت خود در درون طبقه کارگر، بازده زیادی نمی توانستند داشته باشند، ولی رفیق با جدیت تمام مسئولیت‌های محوله را در این رابطه میپذیرفت و به پیشبرد خط سازمان در این رابطه کمک می نمود در این دوره رفیق ابتدا تحت مسئولیت رفیق شهید جمال شریفزاده، شیرازی و پس از شهادت رفیق جمال در یک جمع دیگر کارگری فعالیت می نمود.

در رابطه با وظایف تشکیلاتی در شاخه کارگری رفیق مهری حیدرزاده مدتی در کارخانه قهقهه و زیبا و کارخانه کفش ملی کار کرد و بدین ترتیب امکان یافت که با دردها ورنجهای کارگران آشنای نزدیک آشنا گردد و وظایف محوله را در میان این رنجبران به

بیش برد. همچنین بعدها رفیق در کارخانه کفش وین نیز مدتی کار کرد. این سه کارخانه از جمله موسساتی بودند که در آن سرمایه داران حداکثر استفاده را از نیروی کارزنان می نمودند و با توجه به همین ویژگی کارخانه، رفیق امکان یافت که هرچه بیشتر با مسائل و دردها ورنجهای زنان کارگر در کارخانه آشنا گردد. حقیقت ستم‌دوگانه‌ای را که در جوامع طبقاتی نسبت به زنان اعمال می گردد، بطور عینی و در محیط کارخانه لمس نماید. این دوره برای رفیق درسهای زیادی به همراه آورد و بر اساس همین درس - هاست که او امروز یکی از اعضای فعال سازمان در زمینه کار سیاسی - تشکیلاتی در بین زنان میباشد. رفیق مهری حیدرزاده در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان و تصحیح منشی سیاسی یکی از اعضای فعال سازمان بود و با مطالعه و کار رتئوریک جدی از یک طرف و استفاده از تجارب کار در میان کارگران توانست در دردمندی چریکی و رسیدن به منشی انقلابی - توده‌ای و اینگونه با مبارزه مسلحانه عده‌ای جوان انقلابی و فداکار بلکه با جنگ و پیام مسلحانه توده‌ای است که میتوان رژیم وابسته شاه را نابود ساخت، نقش داشته باشد.

رفیق پس از طی مبارزه ایدئولوژیک درونی و اعلام موجودیت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به مبارزه پیکارانه خود در راه آزادی تمامی طبقه‌های ایران از قید سلطه امپریالسم و حاکمیت ارتجاع و آزادی طبقه کارگران زحمتکشان را ادامه داده است.



## ۳- رفیق مرتضی (حسین) آلاپوش

بسیاری از هموطنان ما با زندگی مبارزاتی این پیکارجوی انقلابی آشنائی دارند. زندگی سرشار از مبارزه سر سختانه و با رژیم جنایتکار شاه و تجاری که از این رهگذر بدست آورده، او را بعنوان یک انقلابی صریح، متواضع و وفادار به آرمان طبقه کارگر و رنجورهای زحمتکشان در آورده است.

رفیق مرتضی آلاپوش در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده متوسط متولد شد. از سالهای ۴۲ - ۳۰ و هم - زمان با نهضت ملی شدن نفت در خانواده و یک جو سیاسی ضد سلطنتی حکمفرما بود و در همان خانواده بوده که کم و بیش با مبارزات خلق آشنائی یافت. در سالهای ۴۲ - ۳۹ که در دبیرستان علوی تهران درس می خواند به طور فعال در جریان مبارزات توده‌ها شرکت داشت. او در تجربه خویش به پیروی شعارهای اصلاح طلبانه و امیدهای واهی ای که برخی از اقشار متوسط جامعه به مبارزات و احزاب آتروزیسته بودند پی برد و مطالعات و جستجوی خود را برای یافتن راه درست مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ در رشته طراحی دانشکده هنرهای زیبا قبول و وارد دانشگاه شد. ولی او بهیچ وجه نمی توانست درس خواندن در چنان شرایطی را هدف خود قرار دهد و در جستجوی راه انقلاب پس از آشنائی با سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۸ به عضویت این سازمان درآمد. پس از گذراندن آموزشهای اولیه بصورت یکی از کادرهای فعال این سازمان به مبارزه خود ادامه داد. دو سال و نیم از فعالیت تشکیلاتی وی میگذشت که در پائین سال ۱۳۵۰ دستگیر شد و در زندانهای رژیم شاه به ۶ سال زندان محکوم گردید. رفیق در زندان نیز از مبارزه و جستجوی هر چه بیشتر راه‌های بنیادی مشکلات جامعه دست برنداشت و در سال ۱۳۵۲ در زندان مارکسیسم - لنینیسم، این تنها ایدئولوژی رها شدی بخش طبقه کارگر را پذیرا شد. هنگامی که رفیق در زندان بود رژیم شاه خائن ۴ تن از اعضای خانواده وی را به شهادت رسانید (دو برادر و یک خواهر و همسر برادر). پس از ۶/۵ سال زندان در اوایل سال ۵۶ از زندان آزاد شد و در سال ۵۷ به سازمان پیکار پیوست و به مبارزه خود برای آزادی کامل خلقها از قید امپریالسم و حاکمیت داخلی آنها و رهاشدی طبقه کارگران زحمتکشان ادامه داد.

بقیه از صفحه ۱۴ توطئه ارتجاع ...

چرا که او بقول خودش به "۷۵ درصد" یعنی "اکثریت" مردم ایران تکیه دارد و "فاطمتش" از آنجا سرچشمه می گیرد!

بهر حال در آستانه این انتخابات نسبت به تکوین چنین توطئه‌هایی در مناطق کردستان و گنبد حداقل از جانب جناحهای جنگ افروزرژیم، هشدار می دهیم. بخصوص خلق کرد و خلق ترکمن و نیروهای انقلابی و مترقی این مناطق، وظیفه دارند که به رهشایی خود نسبت به چنین توطئه‌هایی بیفزایند و با هشجاری و تلاش خود حتی الامکان از شکل‌گیری چنین توطئه‌ای از جانب ارتجاع جلوگیری بعمل آورند. تمام نیروهای انقلابی و مردم آگاه در سراسر ایران وظیفه دارند که بمنظور افشای این توطئه‌ها، حرکات و اقدامات تحریک‌کننده از سوی محافل و جناحهای معین قدرت حاکم، دست به یک کار آگاهانه - گرا نه و افشاگرانه وسیع در میان توده‌های وسیع مردم بزنند تا با رسوا کردن چهره ارتجاع و ضد انقلاب، و با دریدن برده‌دموکرات‌های از چهره رئیس جمهور، از بشمر رسیدن چنین توطئه‌های در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی جلوگیری نمایند.

**در راه تعمیق هرچه بیشتر مبارزه علیه امپریالسم و ارتجاع در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان به کاندیداهای ما رأی دهید!**

## رفیق حسین احمدی روحانی چهره بارز جنبش انقلابی و کمونیستی ایران کاندیدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر از تهران



رفیق حسین احمدی روحانی به سال ۱۳۲۰ در مشهد در یک خانواده روحانی متولد شد. تا سال ۱۳۴۰ تحصیلات خود را در دبیرستانهای فردوسی و ملکوسی مشهد و سپس در دانشکده کشاورزی کرج ادامه داد و دوره مهندسی بهداشت را در دانشکده فنی تهران بپایان رساند. در دوره دبیرستان برای تأمین کمک هزینه تحصیلی کارمیکرد و از بدو ورود به دانشکده در فعالیتها دانشجویی فعالانه شرکت داشت. در انجمن اسلامی دانشجویان و نیز در نهضت آزادی فعالیت می نمود. بعدها که سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس طرد نظرات اصلاح طلبانه نهضت آزادی و اتخاذ خط مشی انقلابی بنیانگذاری شد، رفیق حسین روحانی از اولین اعضای این سازمان انقلابی و مبارز (پس از بنیانگذاران آن) بود. و بزودی بعنوان یکی از کارهای فعال سازمان مجاهدین شناخته شد.

در آبانماه ۴۸ برای تماس با شهید " محمود جمیری " نماینده " سازمان آزادیبخش فلسطین " در پاریس جهت مقدمات اعزام مجاهدین به پایگاههای انقلاب فلسطین به فرانسه رفت و در زمستان ۴۸ به مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد. در شهریورماه ۱۳۴۹ برای تحقیق و بررسی وضع ۶ تن از مجاهدین که در سر راه خود برای بنیوسن به انقلاب فلسطین در شیخ نشین دبی زندانی شده بودند و جوگی آزادی آنها ما موریت یافت که به دبی بروند و بدینال بررسی ها و شناسائی های دنیقی که بوسیله او و چندین نفر دیگر از مجاهدین در خارج کشور تحت رهبریهای سازمان انجام گرفت طرح رسیدن هواپیمای ایرانی از دبی به بغداد تهیه شد و رفیق حسین روحانی همراه با مجاهد شهید رسول مشکین قام و مجاهد صادق دادا در بند ۱۸ آبانماه ۴۹ این طرح را با دقت و موفقیت به انجام رساند.

رفیق که در زندان بغداد دودرگیری با پلیس فاشیستی عراق، مسئولیت تشکیلاتی مجاهدین را عهده دار بود، تحت فشار شکنجه فرار داشت و بعدها که با وساطت الفتح از زندان آزاد شد و همزمان مسئولیت با پایگاههای فلسطین رفتند، او برای ادامه فعالیت سازمانی و براساس ما موریتی که داشت همراه با مجاهدین شهید صفر بدیع زادگان و علی باکری دزیا ریس فعالیت نمود. پس از شهریور ۵۰ و ضرباتی که به سازمان مجاهدین وارد آمد همراه با چندتن دیگر از همزمانش به انجام مسئولیت های انقلابی خویش ادامه داد. تا سال ۵۴، رفیق روحانی مسئول تشکیلاتی مجاهدین خلق در خارج از کشور بود و در تدوین کلیه انتشارات سازمان مشارکت عمده را داشت. همچنین در زمینه آموزش

سیاسی و ایدئولوژیک مجاهدین و تأمین نیازهای زندگی، تبلیغاتی و تدارکاتی سازمان مجاهدین فعالانه شرکت داشت و ما هم در پایگاههای انقلاب فلسطین آموزش دید و جنبشهای انقلابی منطقه را از نزدیک شناخت و درس گرفت.

او که خود زمانی یک فرد مذهبی کاملاً معتقد بود و در گروه ایدئولوژی سازمان مجاهدین نقش فعالی داشت و مقالات متعددی در شرح و تدوین ایدئولوژی مجاهدین و تفسیر آیات قرآن نوشته بود، سال ۵۴ ما رکیسم-لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی رها ننده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پذیرفت.

رفیق روحانی در مرداد ۵۴ مخفیانه به ایران مراجعت کرد. دو سال (۵۴ و ۵۵) برای برقراری تماس سیاسی - تشکیلاتی با کارگران بعنوان یک کارگر در کارخانجات تبریز، زامیاد، سیتروئن و آرج بکار پرداخت و با مسائل جنبش کاریگری و روح این طبقه زحمتکش که دارای نقش تعیین کننده در جنبش انقلابی میهن ما بوده و هست آشنا شد. از سال ۵۴ تا ۵۷ چندبار بطور مخفی برای انجام وظایف و مسئولیت های تشکیلاتی به خارج سفر کرد و دوبار در معرض خطر دستگیری جدی قرار گرفت که با برخورد انقلابی و هوشیارانه از چنگ دشمن فرار کرد.

رفیق روحانی طی دورانی که مستقیماً با طبقه کارگر، مسائل و جنبش آن تماس داشت در انتخابات کاریگری و جمع بندی تجربیات جنبش کارگران فعالانه شرکت نمود. عملگردهای چریکی و مبارزه، ملحقانه جدا از توده و در مقابل، درک توده ای از مبارزه مسلحانه برای او عملاً و در پیوند و رزمه با مسائل کارگران، هر چه بیشتر روشن شد. او در مبارزه/اید - لولوژیک درون سازمانی در زمینه خط مشی مبارزاتی و نیز در مبارزه با انحرافات چپ روانه رهبری بخش متشعب نقش فعالی ایفا کرد.

رفیق حسین احمدی روحانی هم اکنون در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، علیه امپریالیسم و انحراف، علیه استثمار کارگران و در راه تحقق آرمانهای طبقه کارگری رزمند

## کارنامه ۱۷ سال مبارزه رفیق حسین احمدی روحانی:

- ★ از اولین اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۴
- ★ عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۸
- ★ مشارکت در طرح و اجرای عملیات انقلابی هواپیمای اشدبی به بغداد برای آزاد کردن ۶ نفر از مجاهدین آبان ۱۳۴۹
- ★ مسئول تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق ایران در خارج از کشور ۱۳۵۰ - ۱۳۵۴
- ★ پذیرش ما رکیسم-لنینیسم بعنوان تنها ایدئولوژی طبقه کارگر ۱۳۵۴
- ★ دو سال کاریگری در کارخانه های تبریز، زامیاد، سیتروئن و آرج و شرکت در مبارزات کاریگری ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵
- ★ ایفای نقش فعال در مبارزه ایدئو - لولوژیک درون بخش متشعب از س.م.خ. و طرد انحرافات آن ۱۳۵۶
- ★ عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نوعاً انتخابات در این مناطق تحت نوجیبانی از قبیل وجود "آرامی" در منطقه!  
البته جناب رئیس جمهوری نیز از داخل دست تکوین این نوطه ها، برکتا رنست، اکرنکوشیم که او خود مستقیماً در شکل گیری این درگیری ها دست داشته و با دارد، حداقل می توان گفت با حملات اخیر خود به خلق کرد و نیروهای سیاسی منطقه و برای تاطبعت "از طرف اکثریت ملت ایران!" در مقابل - جوشی با خواست خود مختاری خلق کرد و دیگر خلقها، جاده را برای فتنه جوشی و نوطه گیریهای این محافل و جناحهای جنگ افروزی برای بعمل در آوردن نوطه - های ارتجاعی و ضد انقلابی خود ماف کرده است. هر - چند که خود جناب بنی صدر حداقل در از مدت خیال "کوشالی" دادن به خلقهای بیخاسته ایران و به خصوص خلق کرد در درسی پروراند، و ابائی ندارد که در سخنرانی هایش نیز آشکارا آن را اعلام نماید.

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



رفیق قاسم عابدینی

کاندیدای سازمان برای

مجلس شورای ملی

از بروجرد:

رفیق در سال ۱۳۲۸ در خانواده متوسطی در شهر...  
سازمان بروجرد متولد شد. دوران ابتدایی و متوسطه را  
با کلاس تحم دسرستان در زادگاهش گذراند و سپس  
برای ادامه تحصیل به تهران آمد. در سال تحصیلی  
۲۸-۲۹ در رشته ریاضی دانشکده علوم دانشگاه  
تهران تدریس نمود و در نیمه اول سال تحصیلی  
۵۳-۵۲ تحصیلات خود را با اخذ درجه لیسانس پایان  
رساند.

زندگی سیاسی رفیق از حدود سالهای ۲۳-۲۲  
با مطالعه ادبیات و آثار انقلابی ما رکیستی، شرکت  
در محفل مطالعاتی و کوهسوردی در اکتبهای چند  
نفره آغاز شد. تعلیم بستنی‌سازی را آغاز نمود و در کسب  
لیسانس در رشته ریاضی و فیزیک در دانشگاه تهران و همچنین  
وجود آموزشگاه در بروجرد و پرورش شهرستان  
و از طریق ارتباط کبیری فعال و زندگی با آنها  
مطالعات و حرکات رفیق بتدریج سمت و سوی مشخصی  
در جهت آرمان و اهداف طبقه کارگر بخود گرفت.  
فعالیت‌های سیاسی رفیق در بروجرد، عمدتاً بمطالعه  
کلاسهای مارکسیستی، بحث و آموزش حول اندیشه  
انقلابی طبقه کارگر و کوهسوردی خلاصه میشد. در جریان  
همین فعالیتها با برخی از رفقای گروه آرمان خلق  
(که در آن زمان هنوز شکل نگرفته بود) آشنا شد. هم-  
زمان با ادامه تحصیلات در دانشگاه با شرکت فعال در  
فعالیت‌های صنعتی دانشکده و حرکات اعتراضی (نظیر  
کراسی اتوبوس در سال ۴۸ و ... تجارت زیسادی  
برای مبارزه اندوخت. اما در سالهای سیاه خفگان

و در شرایطی که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش ما  
در بروجرد را مستحماً روستم سرمایه‌داری وابسته به  
امپریالیسم مشقات زیادی را متحمل میشدند، در  
شرایطی که توده‌های میلیونی خلق و روشنفکران  
انقلابی امکان کمترین حرکت اعتراضی را نداشتند،  
در شرایطی که دزدان و غارتگران داخلی و خارجی از  
میهمان برای خودبختی ساخته و آبرو برای کارگر-  
ان و سایر زحمتکشان به جهنمی تبدیل نموده بودند  
آری در چنین شرایطی فعالیت‌های صنعتی - سیاسی  
در دانشگاه و فعالیت‌های پراکنده مبارزاتی نمی-  
توانستند با سخاو و راضا کننده در خواست‌های انقلابی  
روشنفکران باشند و رفیق ما نیز از جمله این جوانان  
انقلابی بود.

رفیق در آغاز سال ۵۰ - ۴۹ در جهت پیوند با  
زندگی زحمتکشان و توده‌های کارگر و ریسک و فعالیت  
سیاسی صرف از سوی دیگر، دانشگاه را رها نموده و  
همراه با سایر دوستان و همراهان خود دست بکار  
ایجاد یک تشکل گروهی گردید. در اوایل مرداد ماه  
سال ۵۰ بدلیل ارتباط با یک محفل روشنفکری مورد  
شناختی قرار گرفته دستگیر شد. در خیمان ساوا که  
از فعالیتها و روابط رفیق هیچگونه اطلاعی نداشتند  
پس از اینکه با مقام و مت رفیق در بروجرد مواجه شده  
و نتوانستند کوچکترین اطلاعی از روابط و فعالیتها  
و رفقای دیگرش بدست بیاورند و را خود سه ماه بعد  
آزاد نمودند. رفیق در زندان با مضمی مبارزه مسلحانه  
چونکی آشنا شده و آراستگان یکانه راه و تنها خط مشی  
انقلابی در مبارزه با دیکراتیک و فدا میریالیستی  
خلقهای ایران تخیلی‌ها و ده‌ویس آزادی از زندان  
بمنظور آماجگی و ارتباط کبیری با انقلابیون حرفه‌ای  
فعالیت مبارزاتی خود را شکل نیمه مخفی - نیمه  
علنی ادامه داد. هجوم و پیگرد فاستی رژیم شاه  
و حملات دهنشانه به سازمانهای مسلح ایجاد جو  
خفگان پلیسی، امرار ارتباط کبیری رفیق را بسا  
سازمانهای مسلح تا سال ۵۴ بتعمیق انداخت و  
رفیق قاسم عابدینی در دیماه این سال هنگامیکه بعنوان  
افسر وظیفه در یک دکان عترب آبا دخدمت اجباری خود  
را میگذاشت، از ارتش کربخت و برای خدمت بخلق سه  
همراه برخی از رفقای هم‌زم خود به بخش منشعب (ز.س.م.خ  
خ.ا.ا) پیوست و فعالیت مخفی - انقلابی خود را به  
طور حرفه‌ای ادامه داد و هم‌اکنون نیز بعنوان یکی  
از اعضای سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
به فعالیت انقلابی در جهت تحقق آرمان طبقه کارگر  
توده‌های زحمتکش جامعه فعالیت مبارزاتی خود  
ادامه میدهد و بعنوان کاندیدا توری نمایندگی  
مجلس شورا از جانب سازمان معرفی شده است.

پس از ورود رفیق به بخش منشعب (ز.س.م.خ.  
ا.ا) رفیق در تیم نظامی و سپس شاخه کارگری به  
فعالیت پرداخت. هنگامیکه رفیق عضو تیم نظامی  
سازمان بود، طرح اعدام انقلابی به مستشار آمریکایی  
معدومین "روبرت کروون گارد"، "ویلیام کاتیلر" و  
"دونالد اسمیت"، که از مهمترین مستشاران نظامی  
امپریالیسم خونخوار آمریکا در نیروی هوایی ارتش  
ضد خلقی شاهنشاهی بودند در دستور قرار گرفت. رفیق  
همراه تیم عملیاتی در روز ۶ شهریور ۵۵ در این عمل

موفقیت آمیز شرکت نمود. و بدین ترتیب ۳ تن دیگر  
از سردمداران و نمایندگان امپریالیسم آمریکا در  
ایران بدست فرزندان خلق معدوم شدند! دستگاه  
جهنمی ساواک و کمیته به اصطلاح ضدخوابکاری از این  
پس پیگردشیکه‌های سازمانی ما را بیش از پیش شدت  
داد. در طی این پیگردها، برخی از خانه‌های شبی  
سازمان لورفت. و تمامی رفقای سازمان مجبور به  
تعمیر خانه‌ها و انبارها شدند. در این زمان رفیق  
عابدینی یکی از رفقای بود که در جریان کوشش  
برای تجدیدنسی سازمان از لحاظ امنیتی نقش  
فعال و فداکارانه‌ای داشت. همچنین در سال ۵۵  
گروهی که رفیق عابدینی نیز در آن فعالانه به انجام  
وظایف سازمانی مشغول بود، موفق شد بدنبال تهیه  
فشتک و نارنجک و ... در ساختن اولین مسلسل دست-  
ساز که در نوع خود در ایران بی نظیر بود، نیز موفق  
یابد. برخی از این مهمات بعنوان دست رنج  
انقلابیون ایرانی در لبنان تقدیم سازمان آزادی-  
بخش فلسطین گردید و انقلابیون فلسطین از آنها هدیه  
اینهمه ذوق و استعداد و پیگیری انقلابیون ایرانی  
در مبارزه علیه رژیم شاه غرق در شادی شدند. آری،  
انقلابیون ایرانی در سالهای خفگان محمد زنا‌های  
برای تهیه و تدارک مهمات جنگی از تمام ذوق و هنر  
و استعداد خود استفاده می نمودند و در حالیکه مدعیان  
امروزی انقلاب! در خانه‌هایشان در آرایش خاطر  
به زندگی خفت با خود ادامه می دادند.

رفیق در سال ۵۶ در جریان مبارزه درون ساز-  
مانی علیه نظرات نادرست فعالان شرکت داشت و در  
همین دوره بود که برای تماس سیاسی - تشکیلاتی با  
کارگران مدتی در کارخانه‌ها کار کرد. در طی این  
مدت رفیق در کارخانه‌های تکنوایس، ایران برنا،  
پارس مثال بعنوان یک کارگر مشغول بکار شد.  
آموزشها و تجارت رفیق در این زمینه خود امکان  
بسیار مساعدی برایش فراهم میکرد که آثار منفی مشی  
چریکی جدا از توده را در میان کارگران مشاهده کند،  
و به مشی توده‌ای - انقلابی، یعنی مشی ای کسه  
معنقد است تنها با مسلح کردن توده‌ها و بسویله آنها  
و با رهبری طبقه کارگر می توان بر ارتجاع و میر-  
یالیسم پیروز شد و راه را تا نابودی استعمار ادا مه  
داد، برسد و بدگاههای خود را در این زمینه عمیق  
تر نماید. و همانطور که گفتیم رفیق پس از اعلام  
موجودیت سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
فعالیت خود را در درون این سازمان ادامه داد.

- ۳۳ - ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی با کلیه  
کشورها بر اساس تفاهم متقابل و عدم مداخله در امور  
داخلی یکدیگر.
- ۳۴ - ایجاد روابط و مناسبات کاملاً دوستانه  
با کشورهای سوسیالیستی و انقلابی و جنبش‌های  
آزادبخش جهان.
- ۳۵ - پشتیبانی و حمایت کامل از احزاب و  
نیروهای کمونیستی و انقلابی سر تا سرچیان، مبارزات  
طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی و خلقهای تحت  
سلطه و استم امپریالیسم جهانی و رژیم‌های ارتجاعی  
وابسته به آن و کشورهای رویزیونیست.

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# شبه‌ای از زندگی مبارزاتی و انقلابی کاندیداهای ما، در تبریز



## رفیق محمد رنجبر طالاری پور

رفیق محمد رنجبر طالاری پور در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری در شهر تبریز متولد شد. دوران کودکی و نوجوانی را در محیطی آکنده از فقر و رنج گذراند و آنجا که به ریشه‌های اصلی بیداری و فقر و استثمار پی برد، با تکیه بر ایدئولوژی طبقه کارگر مبارزه علیه رژیم پادشاهی و ستم طبقاتی برپا کرد.

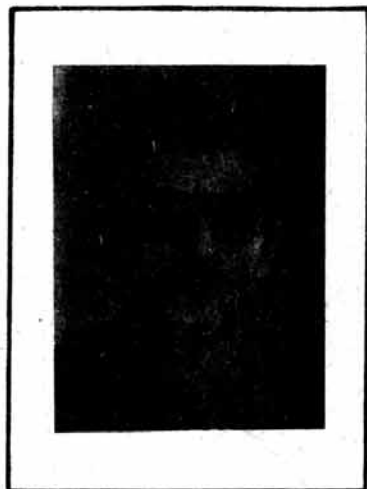
رفیق محمد در بهار سال ۵۲ در خالی که دو سال از مبارزه او علیه رژیم مزدور شاه می گذشت در حبس پخش اعلامیه دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد. رفیق پس از گذراندن دوران اسارت در اوایل سال ۵۴ از زندان آزاد و در بهار همان سال به حبس مشعب (از.س.م.خ.ا) پیوست.

رفیق محمد در ادامه مبارزه خود برای آنکه به تمامی توانش را علیه رژیم پادشاهی و امپریالیسم لیبرال بکارگیرد، در فروردین سال ۵۵ زندگی مخفی را برگزید و از آن پس مدتی برای برقراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر در کارخانه‌های درختان، ساکا، سیم‌مفتول، پارس به کارگیری پرداخت. کارگرگری برای او تجارت بسیاری دزیر داشت. آشنائی از نزدیک و بیش از پیش او با درد و رنج کارگران، کینه طبقاتی را صقل داد و او را برای مبارزه علیه سرمایه داری و ستم و امپریالیسم متمدن تر ساخت. جمع بندی از وضعیت کارگران، آشنائی با نظرات آنها، و عینی شدن نسبت به طرز تفکر اکثریت کارگران همه و همه دستاوردهائی بودند که رفیق علیرغم کمیت کمی چریکی توانست به آنها دست یابد.

رفیق محمد در جریان قیام مسلحانه بهمن ۵۷ همراه توده‌های میلیونی خلق و در کنار مردم مبارز تبریز در حمله به کلانتری ۴ واقع در خیابان حکم آباد تبریز مسلحانه شرکت کرد و امروز نیز برای پیروزی آرمان طبقه کارگر و در راه رهایی خلق از قید ستم و استثمار به پیکار خود ادامه می دهد.

## ۱۸ سال مبارزه رفیق جلیل سید احمدیان بارزیم خونخوار شاه:

- ★ شرکت در مبارزات سالهای ۴۰ و ۱۵ خرداد ۴۲
  - ★ طرد فرمیسم نهضت آزادی ۱۳۴۴
  - ★ پیوستن به مجاهدین خلق ۱۳۴۶
  - ★ اعزام به پایگاههای انقلاب فلسطین، آموزش نظامی و انقلابی و تحمل زندان در دبی و بغداد ۵۰-۱۳۴۹
  - ★ بازگشت به ایران و دستگیری ۱۳۵۰
  - ★ ۷ سال مبارزه در زندانهای متعدد تهران، بروجان، شیراز و سنندج و آبدیدگی در کوران مبارزه و نیل به مارکسیسم-لنینیسم
  - ★ عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۵۷
- \* \* \*
- این است کارنامه انقلابی رفیقی که کاندیدای ما از تبریز می باشد.



## رفیق جلیل سید احمدیان

در سال ۱۳۲۳ در یک محله فقیرنشین تبریز در خانواده‌ای کم درآمد متولد شد. در سالهای جنبش ملی به رهبری دکتر مصدق تحت تاثیر گرایش سیاسی خانواده اش در حمایت از این جنبش، با مسائل سیاسی تا حدی آشنا شد. پس از سقوط حکومت ملی مصدق و بدتر شدن اوضاع اقتصادی اقشار فقیر و متوسط جامعه همراه با خانواده در تهران ساکن گردید. موضع ضد رژیم و مبارزاتی او بدلیل همین شرایط سخت اقتصادی خانواده اش طی سالهای پرازد کودتای ۲۸ مرداد همچنان حفظ و تقویت گردید.

رفیق در مبارزات ضد دولتی سالهای ۳۹ تا ۴۲ بطور فعال شرکت کرد. در این زمان نهضت آزادی ایران "عده" زیادی از جوانان انقلابی و پرشور را به راههای فرمیستی مبارزه می کشاند و رفیق نیز در خط کار همین جریان فعالیت داشت. او در خرداد ۱۵ خرداد ۴۲ فعالانه شرکت نمود. در سال ۴۲ وارد رشته راه و ساختمان دانشکده فنی تبریز شد. و در رابطه با فعالیت مبارزاتی، توانست بین محفل سیاسی که در آن فعالیت می نمود، با مجاهد شهید محمد حنیف نژاد در سال ۴۴-۴۳ ارتباط برقرار کند. از این پس توانست با راههای فرمیستی مبارزه، که نهضت آزادی مبلغ آن بود قطع رابطه نماید، و به انقلاب بعنوان تنها راه رهایی خلق بماندیشد.

رفیق در سال ۱۳۴۶ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست. آموزش سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی او در این سازمان ادامه یافت. در تیرماه سال ۴۹ همراه با عده‌ای دیگر از همزمانش در سازمان مجاهدین برای گذراندن یک دوره نظامی در پایگاههای انقلاب فلسطین از کشور خارج گردید. طی اقامت در شیخ نشین دبی که همراه با یک سری از فعالیت های تدارکاتی و امنیتی بود با پنج نفر دیگر از همزمانش مورد سوءظن پلیس دبی که به شدت بوسیله کارشاهان ساواک هدایت می شد قرار گرفت و به زندان افتاد. از اوایل مرداد ۴۹ تا ۱۸ آبان ماه همان سال در شرایط

سخت زندان این شیخ نشین گذراند. او دیگر هم - زمان عبادت مقام چشمگیری را از خود نشان دادند. رژیم شاه و حکومت ارتجاعی و استعماری دبی که به فعالیت سیاسی آنان و علاقمندی آنها به جنبش انقلابی فلسطین ظنین شده بودند، ترتیب تحویل آنها به ایران را دادند. یک هواپیمای ایرانی قرار بود آنها را از دبی به ایران ببرد ولی فعالیت آنها بیگسرا زمان که با دقت و هشاری تمام و رعایت مسائل امنیتی صورت گرفته بود، در راه نجات این زندانی انقلابی سرانجام به ثمر رسید. به تفر از مجاهدین یکی مجاهد شهید رسول مشکین قام و دیگری رفیق حسین احمدی روحانی و یکی دیگر از مجاهدین (محمد صادق دربندی) پس از شناسائی های زیاد و حمل اسلحه و مواد متفجره بداخل هواپیمای او را از مسیر خود منحرف کرده به سمت بغداد بردند.

رفیق جلیل سید احمدیان در قریب ۲ ماه همراه با همزمانش در زندان بغداد گذراند و سپس دسته جمعی با واسطه سازمان الفتح آزاد گردیدند و در پایگاههای انقلاب فلسطین در خارج عراق مستقر شدند. دوره آموزش نظامی ۲ ماهه و نیم طول کشید و پس از بقیه در صفحه ۱۵

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

## یار وفادار زحمتگشان رفیق محمد خلیلی کاندیدای سازمان ما از سنندج



کارخانها زمان داد. کارفرما مزدورانش که او را عنصری "خطرناک" تشخیص داده بودند در آذرماه ۵۷ از کارخانه اخراج کردند، اما رفیق ارتباط خود را با کارگران کارخانه همچنان حفظ کرده. با بخش اعلامیه، بحث و سخنرانی برای رفقای کارگری سعی میکرد تا آگاهی آنها را بالا ببرد. در مدتی که بیکار شده بود به همراه دانشجویان مبارزی که برای افشاکاری به کارخانه‌ها می‌رفتند، در میتینگها و تظاهرات کارگری - دانشجویی شرکت میکرد و از هر فرصتی برای افشای ماهیت رژیم شاه‌خائن و آشنا کردن زحمتگشان با حقوق باعمال شده‌شان، استفاده مینمود. و در اثر مبارزه‌ای که رفقای کارگرش برای او کردند با ردیگر در کارخانه (بی.ا.ف. گودریج بیکار پرداخت و فعالیت علنی خود را آغاز کرد. وجود او چون خاری در چشم کارفرما و مزدورانش مسرفت، آنها از هیچ کوششی برای آزار او ذیبت وی خودداری نمی‌کردند، اما جرات اخراج وی را نداشتند. رفیق در قیام ۲۲ بهمن تهران همراه رفقای کارگرش فعالانه شرکت جست و در کنار سایر برتوکه‌ها در تسخیر پادگانها و کلا - نثری‌ها بیکار نمود.

پس از قیام کارفرما و مدیران وابسته و مزدور - نشان با استقرار رژیم جمهوری اسلامی، لباس زهد و پارسائی به تن کردند و با تحمیل و تحریک بخشی از کارگران تا آگاهانه نسبت به ماهیت رژیم توهیم داشتند، دست به توطئه و عوامفریبی زدند. و در تیر ماه ۵۸ رفیق را مجدداً به اتهام "فداقلایی بودن" از کارخانه اخراج کردند. به این ترتیب او مدتی بیکار ماند.

رفیق در جریان تهاجم ارتجاع به کردستان، نیاری خلق کردشتافت و در کنار آنها و برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه‌شان به سازماندهی تظاهرات مردم و افشاکاری علیه جنگ افروزان و باندهای مرتجع منطقه پرداخت. تا اینکه روز ۲۶ مهر بوسیله پاسداران دستگیر شد. اما مردم غیور سنندج که او را می‌شناختند، با برپائی میتینگ و تظاهرات پر شور خواستار آزادی وی شدند. در نتیجه پاسداران نا - گزیر به آزادی او اوشدند. وی پس از ۶ روز اسارت با ردیگری به آغوش خلق بازگشت.

رفیق احمدخلیلی یار و زحمتگشان اینک با هدف دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتگشان و توضیح خواسته‌های عادلانه کلیه خلقها و افشای تمامی مرتجعین و لیبرالهای خائن و همدستان آنان در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت میکند ■

رفیق محمدخلیلی عضواً زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در سال ۱۳۲۹ در شهر سنندج بدنیا آمد و از همان دوران کودکی با فقر و ستمی که بر توده‌های ستمدیده خلق کرد، روایی شود، آشنا شد. در سال ۱۳۵۰ از دبیرستان فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۵۱ بعنوان سپاهی دانش در روستاهای اطراف ما بخدمت مشغول گردید. در اینجا و با توده‌ها در آمیخت و در کنار کارکنان تولیدی با دهقانان به افشاکاری رژیم ضد خلقی شاه‌خائن پرداخت، صمیمیت و ایما می‌کوی به توده‌ها ابراز میکرد، بزودی باعث جلب اعتماد روستائیان منطقه گردید. آشنائی نزدیک رفیق با ستم و استثمارگری که توده‌های دهقان تحمل می‌کردند، باعث شد که او درک عمیق تری از مفهوم مبارزه طبقاتی بدست آورد. بعد از پایان یافتن دوره سپاهی در سال ۵۵ به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمدوبه عنوان معلم روستا، به کار در روستای بسطام از توابع سنندج، گذار تا دو تلسکوپ از توابع ابرانشاه سنندج پرداخت. زندگی در کنار روستائیان، مشاهده زندگی با رتوکه‌ها و ظلم و جوری که خوانین و دولت ضد خلقی شاه‌خائن بر توده‌های دهقانی وارد می‌آوردند، کینه طبقاتی او را نسبت به دشمنان خلق عمیق تر کرد. زندگی با توده‌ها به او می‌آموخت که باید نسبت به دشمنان خلق ما لا مال از نفرت و کینه بود و در راه‌های آنان به مبارزه برخاست. او می‌آموخت که این مبارزه دشوار است و بدون آگاهی و تشکلی توده‌ها نمی‌توان سخن از پیروزی میان آورد. به همین دلیل بر فعالیت افشاکارانه و تبلیغی خود، افزود. اما زندگی با توده‌های دهقانی اگر چه بسیار آموزنده بود، لیکن رفیق بدرستی به این نتیجه رسیده بود که توده‌های دهقان به تنهایی نمی‌توانند در مبارزه خونین طبقاتی پیروز شوند و برای اینکار لازم است با طبقه کارگر متحد شوند. اتحاد کارگران و دهقانان و رهبری انقلابی کارگران بر توده‌های تحت ستم، تنها راه پیروزی بر نظام سرمایه داری وابسته و امپریالیسم و ارتجاع است. از این رو در تابستان ۵۴ و ۵۵ در تهران و تبریز بیکار در کارخانه - ها و شرکت‌های ساختمانی پرداخت. مزدی که به او می‌دادند کمتر از آن بود که کفاف زندگی‌اش را بدهد، اما در عوض او به قدرت بی پایان و لایزال که در اندیشه و با زوان طبقه کارگر وجود دارد، پی برده بود. از این رو تصمیم گرفت از شغل اداری استعفا دهد و برای همیشه به کارگران بپیوندد.

رفیق در آبان ۵۵ در شرکت لاستیک سازی سی.ا.ف. گودریج بعنوان کارگر فنی استخدام شد و از همان آغاز فعالیت در فعالیتهای صنفی - سیاسی کارگران شرکت کرد. صمیمیت، صداقت و شوری که او از خود نشان میداد، اعتماد و احترام رفقای کارگرش را به همراه داشت. این خود امکان مناسبی فراهم میکرد تا رفیق بتواند مبارزه کارگران را ارتقا دهد. همزمان با او جگیری مبارزه، توده‌ها در سال ۵۷ او به سازماندهی و هدایت مبارزه کارگران کارخانه پرداخت و اعتماد بکارگری مه‌ماه ۵۷ را در این



## یار دلیر زحمتگشان رفیق شهین (مهوش) قادری دوست کاندید سازمان ما از سنندج

رفیق شهین قادری دوست عضواً زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در سال ۱۳۳۱ در سنندج متولد شد و پس از گذراندن دوران تحصیل ابتدائی و متوسطه در سنندج، در سال ۵۱ بعنوان سپاهی دانش در روستای بوره سنندج بخدمت پرداخت. هم‌رستی با رحمت - کس برای او در سپاه زیادی همراه داشت و از نزدیک وی را با اختلافات طبقاتی و ستمی که بر زحمتگشان خاسته می‌نمود، آشنا نمود.

رفیق شهین در سال ۵۴ وارد دانشگاه تبریز گردید و در دوره شبانه‌ها ادامه تحصیل پرداخت. او در تبریز نیز روستائیان از توده‌های محروم و فرزندان آنها جدا ساخت. از این رو کار علمی را در روستای ابرامک (آذربایجان شرقی) ادامه داد. وی همواره از توده‌ها می‌آموخت و به آنها نیز آموزش می‌داد. ارتباط رفیق با زحمتگشان آذربایجان، عشقش را به توده‌ها و تنفرش از رژیم سر بر برده و منقور پهلوی بیشتر می‌کرد.

رفیق شهین چند سالی در دبستانهای ابرامک، بیروین اعما می، خیابانی و ناموس تبریز تدریس پرداخت. هم‌زمانش آموزان روستائی سنندج و آذربایجان رفقت پر شور و رابطه صمیمانه‌اش را با آنها بیامدادارند. سبب این بود که چگونه در دوران خفقان و دیکتاتوری سیا پهلوی با آنها ارتباط نزدیک و در عین حال مخفیانه برقرار میکرد و در مقابل توهینها و خطاهای بی‌شمارانه مزدوران رژیم در مدارس هر چه بیشتر در پیشبرد آگاهی دانش آموزان خود کوشش می‌نمود و هرگز کمی از فعالیت بازمی‌ایستاد.

رفیق به دانش آموزان خود یاد می‌داد که به چه علت پدرشان بیکار است و برای چه در مواقعی هم که کار می‌کنند با فقر و بی‌پولی چیز، خسته و درمانده است! و... او در دبستان خیابانی بارها و بارها توسط یکی از مزدوران رژیم در مدرسه مورد تهدید قرار یافته در صفحه ۱۴



# رئوس برنامه حداقل

مقدمه

کارگران! زحمتکشان! خلقهای قهرمان ایران!

آنچه که در مقابل شما قرار دارد، رئوس برنامه حداقل سازمان ماست. ما در این برنامه، هدفهای را که انقلاب توده‌ها در برداشت مورد اشاره قرار داده است، این بمعنای آنست که خلقهای قهرمان ما می‌بایست بعد از قیام خونین بهمن ۵۷ دولتی را بر سر کار می‌دیدند که این برنامه را قبول داشته و آنرا به اجرا درآورد. در حالیکه هم‌اکنون که یکسال از قیام بهمن می‌گذرد، کارگران، زحمتکشان و توده‌های مبارز میهنمان می‌بینند که نه تنها چنین برنامه‌ای پیاده نشده، بلکه از ابتدا نیز چنین هدفی وجود نداشته است. مگر کارگران و مردم ما چه می‌خواستند؟ آنها می‌گفتند بیش از ۵۰ سال تحت حکومت جبار پهلوی، شدیدترین ستمها و سختیها را کشیدیم، آنچه که نصیب ما می‌شد، گرسنگی، بود و بیماری، بی‌خانمانی بودویی سواد و هزاران دردی دیگر. در مبارزه با رژیم ما در صف مقدم بودیم و این ما بودیم که اعتماد کردیم و وظایف هرات کردیم، قریباً دمرگ بر شاه و مرگ بر آمریکا کشیدیم، برای آزادی و برابری با چند سرعانه‌های نفتی و گرسنگی کشیدیم، دست‌آخروم با دست خالی گلوله‌ها را بجان خریدیم، بیش از صد هزار شهید و مجروح دادیم و انقلاب را همچون مردمک چشممان حفظ کردیم و پیش بردیم. ولی حاصل این همه فداکاری و مبارزه چه شد؟ چه کسانی قدرت را بدست گرفتند؟ آنها چه نقشی در مبارزه مردم داشتند و در شرایطی که مردم در میان خون و آتش بودند، آنها به چه کاری مشغول بودند؟ آنها ای که فخر از درد و رنج و زحمت مردم و بدو را از آنها چه بردا دل و چه خارج از کشور زندگی می‌کردند، حال چگونه می‌توانند از درد و رنج سخن بگویند و خود را نماینده خواست آنها بدانند. مگر همین بازرگان نخست وزیر دولت به اصطلاح انقلابی نبود که در اوج مبارزات توده‌ای مردم، خواستار حفظ سلطنت بود؟ و مگر همین بازرگان نبود که بعد از درجهت تحکیم روابط و مناسبات ایران با آمریکا و کمک به سرمایه‌داران بزرگ، کوشش نمود؟ بنا بر این چگونه اینها می‌توانند نماینده منافع زحمتکشان باشند. او که تا همین امروز روابط صمیمانه خود را با رئیس‌جمهور آمریکا سخن می‌گوید، چگونه می‌تواند پشتیبان انقلاب و حامی مستضعفین باشد؟ و یا بهشتی و

دیگران که هیچگاه طرفدار مبارزه و لومخوددم با رژیم شاه نبودند. آری، تمام عناصر و افرادی که در دولت موقت پیشین، شورای انقلاب کنونی قدرت را در دست دارند، کمترین مثل اینها هستند و فرقی با آنها ندارند. رهبران خرده بورژوازی هم با افتادن به دنبال بورژوازی و سازش با آنها و علی‌رغم وعده و وعیدهای فراوان به مردم، در خدمت بورژوازی قرار گرفته و به مردم پشت کردند. بنا بر این بسیار طبیعی است که چنین دولت موقتی و چنین شورای انقلابی که با مستقیم از نمایندگان سرمایه‌داران لیبرال و وابسته تشکیل شده و یا از کسانی که در خدمت آنها قرار گرفته‌اند، نمی‌توانست و نمی‌تواند نماینده مردم و خواسته‌های آنان باشد. خواسته‌های انقلابی توده‌ها وقتی تا مین می‌شود که نمایندگان انقلابی آنها که کوچکترین سائشی با امپریالیست‌ها و نظام ضد مردمی سرمایه‌داری وابسته نداشته باشند، در رأس انقلاب قرار گیرند، مسأله با رهاگشته‌ایم که فقط طبقه کارگر و حزب او است که می‌تواند انقلاب دموکراتیک و فدا می‌ریا لیستی را به پیروزی قطعی برساند و خواسته‌های توده‌های خلق را تا مین نماید. هر نیروی غیر از آن و هر چیزی غیر از حزب طبقه کارگر، قطعاً با انقلاب را به شکست می‌کشد. تا در صورت نیم بند و فرمیستی آنرا سقط می‌کند و ما تا مین خواسته‌ها و مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران، زحمتکشان و سایر اقشار خلق جز از طریق دولت جمهوری دموکراتیک خلق که در مبارزه سرنگ شده، سازشکار میز خلقهای قهرمان ایران برهبری طبقه کارگر با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن، وجود می‌آید، امکان پذیر نیست. این دولت انقلابی از آن جهت که نماینده واقعی تمام زحمتکشان و توده‌های خلق ستمدیده‌هاست، می‌تواند به نحو سائستی به تمام خواسته‌ها و حقوق دموکراتیک و فدا می‌ریا لیستی خلق، در این مرحله از انقلاب پاسخ گوید، و راه را به بهترین شکلی برای تحقق انقلاب سوسیالیستی آماده کند. ما در بهمن ماه سال پیش خواسته‌های اساسی توده‌های قیام‌کننده را در برنامه حداقل خود ارائه نمودیم. اینک با توجه به تغییرات و تحولات یکساله اخیر، رئوس این خواسته‌ها را بصورت برنامه حداقل خود اعلام می‌داریم.

# رئوس برنامه حداقل

## نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته

- ۱ - معادله و ملی کردن کلیه منابع و موسسات مالی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، بازرگانی و خدمات امپریالیستی و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و وابسته.
- ۲ - افشاء و القای کلیه قراردادهای امپریالیستی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی.
- ۳ - اخراج کلیه مستشاران نظامی، فنی و

جاسوسی امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آنها.  
۶ - دستگیری، محاکمه و مجازات کلیه افراد و وابستگان به رژیم گذشته و تمامی مرتجعین و حامیان امپریالیسم.

## ایجاد نظام دموکراسی توده‌ای

- ۷ - شورا‌های انقلابی خلق (شورا‌های انقلابی کارگران، دهقانان و...) که در جریان مبارزات انقلابی توده‌ها، در درون کارخانجات، محلات، روستاها و... پا گرفته و ایجاد می‌شوند، پایه و اساس حاکمیت توده‌ای را تشکیل می‌دهند.
- ۸ - شورای مرکزی انقلابی خلق، مرکب از نمایندگان منتخب شورا‌های انقلابی کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلقی در سطح کشور، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده‌ای می‌باشد.
- ۹ - شورا‌های انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری (ده، بخش، شهر، شهرستان و استان)، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده‌ای در آن ناحیه خواهند بود.
- ۱۰ - دولت جمهوری دموکراتیک خلق، توسط شورای مرکزی انقلابی خلق، تعیین و زیر نظر این شورا و نظارت قوه مجریه را بر عهده خواهد داشت.
- ۱۱ - ایجاد ارتش مسلح خلق، مرکب از رزمندگان مسلح توده‌ای برای دفاع از دستاوردها و پیروزی‌های انقلاب و مقابله در برابر تجاوزات امپریالیست‌ها و سرکوب کلیه نیروهای ارتجاعی داخلی که بر علیه دولت انقلابی اقدام میکنند.

## پی‌ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان

- ۱۲ - وظیفه برنامه‌ریزی اقتصادی، مالکیت و کنترل کلیه منابع و موسسات بزرگ مالی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، بازرگانی و خدمات بر عهده و در اختیار دولت انقلابی خواهد بود. دولت انقلابی موظف است که سمت‌گیری سوسیالیستی در اقتصاد را بمنظور پی‌ریزی شالوده نظام سوسیالیستی آینده کشور مراعات نماید.
- ۱۳ - حمایت از سرمایه‌گذارانی که کوچک در چهارچوب برنامه‌ریزی اقتصادی دولت انقلابی و جلوگیری از ورود محصولات خارجی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد.
- ۱۴ - اقدام فوری به برقراری نظارت و کنترل از طرف شورا‌های انقلابی کارگران بر تولید اجتماعی و توزیع محصولات و نظارت بر تدوین قانون کار انقلابی.
- ۱۵ - معادله‌های، باغها، نهرا، قنوات و چاه‌های آب متعلق به زمینداران و مالکین بزرگ و واگذاری آنها به شورا‌های انقلابی دهقانان.
- ۱۶ - تا مین کمکهای مالی وقتی به شورا‌های انقلابی دهقانان و خرید محصولات کشاورزی از شوراها با قیمت مناسب و جلوگیری از ورود کالاهای مشابه از خارج کشور.
- ۱۶/۱ - تشویق خرده‌مالکان به اتحادها و نیهای تولید و کمک‌های لازم به آنها.
- ۱۶/۲ - لغو تمامی بدهی‌های دهقانان بدولت، مالکین بزرگ و سرمایه‌داران.

# سازمان مجاهدین خلق در دام توهنات لیبرالی

● برخلاف نظریات درست رهبری سازمان مجاهدین، بین‌اندیشی صدرویان حزب جمهوری اسلامی اختلاف کفی وجود ندارد. هر دو بیانند دارای ماهیت طبقاتی یکسان بوده و بر زمینه سرمایه‌داری وابسته عمل میکنند.  
● سازمان مجاهدین خلق با اتخاذ سیاستهای رفرمیستی و توهیم‌نگریزیش از پیش از دمکراتیکسم فاصله نگرفت.

## در قبال انتخابات مجلس چه باید کرد؟

در حال حاضر مسئله انتخابات مجلس شورای مطرح است. موضع ما در میان این انتخابات چه باید باشد؟ حزب استیمنه با دیدن این مبارزه انتخاباتی شرکت نماند. چرا؟ و با چه هدفی؟ کمونیستها می-دانند که انقلاب با ما بود با ختن دستکاه دولتی ارتجاع سیرمی با سدویا رلمان یا مجلس نیز جزئی از دستگاه دولتی بورژوازی است که از جانب قدرت حاکم به منظور تحکیم سیستم قدرت و فریب مردم بکار گرفته شده است. ولی کمونیستها این را نیز نمی دانند که در شرایطی که ما در آستان یک انقلاب قرار داریم و در شرایطی که نوده‌های بسیاری از مردم ما نسبت به قدرت حاکم موجود و مجلس او اعتماد دارند، با هدف انشاء انقلاب و توطئه‌های نانداهای مختلف آن در درون رژیم و نیز درون نمودن افکار مردم و تربیت انقلابی نوده‌ها از طریق این افکارگرنها، باید در مجلس شرکت نمود.

نوده‌ها را باید در تجربه مستقیم خودشان ارتقا داد و از جمله در طی همین تجربه ما هیئت مجلس را از نملنا ساخته و امیدگانه مردم را نسبت به دستکاه بورژوازی از بین برد. بنا بر این با توجه به ما هیئت بورژوازی مجلس با بدرد آن شرکت کرد و مجلس را نیز به عرصه‌ای باز کرده یعنی از مبارزه آنکا رطبقاتی تبدیل نمود. رفرمیستها و سازشکاران مجلس را عرصه اصلی مبارزه

ب حساب می آورند و شرکت در آن را هدف یا ابزار اساسی تحقق اهداف خود قرار می دهند، حال آنکه انقلاب- بیون پیگیری عرصه اصلی مبارزه را صحنه نبرد طبقاتی و ابزار اصلی تحقق اهداف خویش را مبارزه انقلابی نوده‌ها و انقلاب قهرآ میز میداند.

بدین ترتیب با دورا و به دیدگاه ملا متفاوت می-توان به مجلس و شرکت در آن نگاه کرد: یکی از مواضع استوار و انقلابی و دیگری از موضعی ناپیگیر و سازشکارانه.

امروز در جا معما در سطح نیروهای سیاسی این دورا و به دیدگاه نکاسی یافته است. بنحوی که انتخابات با مجلس شورای موجب شده تا استواری و توهم برخی نیروها ابعاد جدیدی بخود بگریزد. سیاستی که این نیروها در راه باطله با مسئله انتخابات مجلس انحصار نموده اند، انکاسی از ناپیگیری طبقاتی آنسان بوده و چنین سیاستی جز ضرر به زدن به انقلاب و دموکراتیکسم پیگیری حاصل دیگری ندارد. چنین سیاستی منجر بدان می گردد تا نوده‌ها بیش از پیش در توهم لیبرالی فرورفته و در نتیجه قربانی مئی بورژوازی گردند. در حقیقت این سیاست انحرافی بمعنا به پلی میان دموکراتیکسم پیگیری و لیبرالیسم بورژوازی بشمار می آید و در تحلیل نهائی این سیاست در خدمت بورژوازی می باشد.

## انحرافات مجاهدین در قبال بورژوازی و مجلس بورژوازی

سازمان مجاهدین نسبت به ما ندهد (بویژه اینکه در حال حاضر تحریف وقایع و دروغ‌بازی کم‌وبیش بیک شیوه رهبری مجاهدین تبدیل شده است)، می-کوشیم تا با انکاه به نقطه نظرات این سازمان در قبال بورژوازی و بنا بر آن و نیز مجلس بورژوازی سیاستهای راست روانه این نیروی دموکرات را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

### ۱) نقطه نظر مجاهدین در قبال بورژوازی

ما از مجاهدین می پرسیم هر کدام از "قطب" های مورد نظر شما مبین حرکت و منافع کدام طبقه اجتماعی است؟ و آیا "قطب میانه" به معنای یکی بنی صدر از نظر طبقاتی تفاوتی کیفی با "قطب راست" دارد؟ آیا این دو قطب، قطب واحد بورژوازی نمی باشند؟ بنظر ما امروز در سطح جامعه بیش از دو قطب اساسی موجود نیست. اول قطب دموکراتیکسم با انقلاب و دوم قطب لیبرالیسم با عدالت انقلاب. "قطب میانه" تمامها قطبی ما و را طبقاتی است (که چنین امری محال

در حال حاضر سازمان مجاهدین خلق با اتخاذ سیاستهای رفرمیستی و توهم انگیزیش از پیش از دمکراتیکسم انقلابی فاصله می گیرد. چنین سیاست-هایی عملاً زمینه ذهنی نوده‌ها را از آشنائی ناپذیری نسبت به بورژوازی خالی نموده و آنان را قربانی توهنات می نماید. برای اینکه سخن ما در حد یک حکم بای نمی نماید و در عین حال بهانه بدست رهبری این

در زمینه‌ها نشریه "مجاهد" سازمان مجاهدین در دورا یک تحلیل علمی و طبقاتی مطرح میکند: "تعل مملت انقلابی، تضعیف مملت راست و بسیاری عوامل اجتماعی، سیاسی و روان شناسانه دیگر در مجموع باعث ممشو نده که تلف اجتماعی و سیاسی نیروها جمع مملت میانه تحول پذیرد و بدین گونه میدان آرمایش تاریخی بسیار عظیمی در شرایطی بنی مدرک نوده میشود." (شماره ۲۲، ۱۶ بهمن ۵۸)

است) و با فطنی متعلق به بورژوازی می باشد. از آنجا که هیچ نیروی فوق طبقاتی وجود ندارد، از آنجا که مئی و سیاست و عملکرد "قطب میانه" تنها جز در جهت منافع بورژوازی قرار نداشته و ندارد، "بنی-صدر" و "قطب" او در جنبه بورژوازی و عدالت انقلاب قرار داشته و دارد. درست است که جناحهای مختلف بورژوازی سیاستهای متفاوتی می توانند اتخاذ نمایند ولی این تفاوت در سیاست و روش نفی کننده ماهیت طبقاتی بیگانه این جناحها و هموشی حرکت آنسان نمی تواند باشد.

### بنی صدر

## نظرات لیبرالی مجاهدین درباره او

"بنی صدر" یک بورژوا - رفرمیست است که در شرایط بحران همه جا جنبه‌ها معده در پی آنست تا به فریب دسرها به داری وابسته موجود ببرد. او با طرح شعارهای عوام فریبانه ای چون: "نه راه سوسیالیسم، نه راه سرمایه داری، بلکه راه اسلام"، در پی آنست تا اساس و بنها دسرها به داری را از زیر ضربات زشت مبارزه طبقاتی و انقلاب محفوظ نگاه دارد. "آزمایش تاریخی" بنی صدر ایجاد تغییرات و اصلاحاتی در چهارم - چوب نظام سرمایه داری وابسته می باشد و این راه جز راه پاسداری از سرمایه داری چیز دیگری نیست و بنا بر این جزا و وابستگی روز افزون به امپریالیسم چیز دیگری نمی باشد.

ولی با توجه به این مسائل رهبری سازمان مجاهدین به استقبال آقای بنی صدر می رود. نشریه مجاهد ادامه می دهد:

"نیروهای اصیل انقلابی همچنانکه از روزاوس انقلاب سیرمی گفتند، اعلام آمادگی میکنند تا در چهارم رجوب بر نامه انقلابی و حق طلبانه - شان از آقای بنی صدر استقبال کنند. آنها آرزو مندند که آقای بنی صدر مطالعه‌های نظری را که تا کنون بین خود و طبقاتشان داده فاطعه در عمل سیر یافته‌ها، محافل گامی ستمهای امپریالیستی به بروز و اشیا رساند. آنها آرزو مندند که آقای بنی صدر به جوجه در دام ارتجاع و لیبرالیسم بیفتد و الا اساس قدرت و پایه حکومت خود را سیر سرتزل خواهد نمود. و حصر آید آن دوامی در آینده خواهد داشت. (همانجا، تاکیدات آزماست).

دیدگاه عمیقاً راست روانه و سار توهم انگیز فوی بر آنست که:

- ۱ - بنی صدر "مطالعه‌های نظری" منجمی بنس خود و "قطب راست" بوجود آورده است.
- ۲ - بنی صدر می تواند در عمل "مطالعه‌ها" کامل ستمهای امپریالیستی" صعود نماید.
- ۳ - بنی صدر در "دام ارتجاع و لیبرالیسم" قرار ندارد.
- ۴ - بنی صدر اساس قدرتش از ناپ و اسحکام برخوردار است.

عمل از هر چیزی با ننگوشم که نیروهای کمونس راستین هیچگاه اعلام آمادگی برای استقبال از بنی-صدر بورژوا - رفرمیست نگرده اند و بدین امر افعال میکنند و بلکه این شما بودید که ما سر لولاب خود به استقبال آورده‌اید. بنا بر این ملاتن یکسده مواضع راست روانه خود را به نیروهای انقلابی و کمونسیت نغمم و ستم دهید، و بنفداً نکه‌ها بطور که در مضمون

می خواند، او بهیچوجه به افشا و الغای هزاران قزاق- دادا میریالیستی نمی پردا زدودریک کلام او اس مناسبات ستمگری و وابستگی به امپریالیسم را دست نخورده نگاه می دارد...

حال آیا بنی صدریک دموکرات و مخدا میریالیست می باشد؟ آیا این حرکات بمعنای "فالمه های نظری" و عملی بنی صدریا "قطب راست" می باشد؟ آیا این واقعیات خشن نشان نمی دهد که او برای صعود به "قله محاکمه" کامل ستم های امپریالیستی "نمی تواند" کوشش بعمل آورد؟ و از طرف دیگر از زمان مجاهدین به چه مجوزی چشم خود را بر روی این همه خیانت می بندد و مردم را دچار توهمات بی پایه و اساس می کند؟ از زمان مجاهدین به چه مجوزی ما هیت لیبرالیسم و ضد انقلاب را برده پوشی می کند؟ از زمان مجاهدین چرا ستم انقلابی و خونین دیروز را قربانی امتیازات و سراب فردا می نماید؟

### مجاهدین بکمک بورژوازی می شتابند

نیمی از مردم ما که در مبارزه خود لیبیرالها شی چون بازرگانها را به کناره رزده بودند از آنجا که کاملاً به ما هیت بنی صدرا واقف نبودند به او رای دادند. ولی مطمئن باشیم همانگونه که از قیام به این ستمها توهمات بخش مهمی از مردم نسبت به هیت ها کمه فروریخت زمانیکه ایده های انقلاب هر چه بیشتر در میان توده مردم نفوذ کند زیر پای آماج بنی صدر، این رئیس جمهوری عوام قریب بورژوازی نیز ستم ست و متزلزل خواهد شد. هوزر هجکس فراموش نکرده است که تنها یکسال پیش از این، میلیونها نفر از توده های ما در سراسر ایران، و در شهرها و روستاها - سراسر افتادند و با طر توهمی که داشتند قریباً دزدند: با زیر کان نخست وزیر ایران و "بازرگانان مورتا شمس" ما ست! اما چندان بعد چه شد؟ کمونسستها و راجیدان سازمان ما از همان ابتدا ما هیت بازرگان را ستم توده ها توضیح دادند و در خود در فروریختن توده توده ها نقش بازی کردند. امروز نیز همین وضعیت در مورد بنی صدر صادق پیدا میکند ما از این وضعیت استقبال می کنیم. ولی متأسفانه مجاهدین خشن بجای استقبال از فروریختن روزافزون توهم توده ها و بر ملا شدن بیشتر چهره، فریبکاران خریده در قدرت همچون بنی صدر، تکران آنسند که میباید قدرت بنی صدر متزلزل شود و فروریزد!

مجاهدین ادامه می دهند: "ما هرگز نگفته ایم و نمی گوئیم که آماج بنی صدر را چنین و چنان خواهیم کرد، بلکه بعکس می گوئیم اگر آماج بنی صدر بواسطه انقلابی و مردمی عمل کند، یک ایران آزاد و مستقل بسازد، در مقابل زور و ستمگری چهار داخل وجه اخراج ایستادگی کند، و مهمتر و مهمتر از همه پایکاها، روابط و قراردادهای امپریالیستی را بر ملا و لغا بیاورد، حتی ما بلیزر هر عرص و رمضی هم که فرغاً داشته باشیم، دست آخر هیچکدامی توایم بکنیم. مگر می شود در برابر آزاده، خالق و خلق که منستی سرآرادی و استقلال و اسلام اصیل و انقلابی است مقاومت ورزید؟ ... (همانجا، تا کیدات از ما ست) در اینجا اگر چه رهبری سازمان مجاهدین می - کوشد با "گرومگر" ها متزلزل خود را بیوشنا ند و ستمها

اعاده حیثیت می کند و به آنان فرصت می دهد تا در رادیو - تلویزیون و مطبوعات ما سوز زده به دفاع از حیثیت ناپاک و ضد انقلابی خود بپردازند. او علیه خلق کرد توطنه های جدید می چندد و جنبش این خلق را تجزیه طلب و انمود می سازد. و در ترکمن صحرا به جنگ افروزان خدمت کرده و آنجا رالانه "فساد خواننده و انقلابیون را دشمن خود معرفی می نماید. او همانا سران مبارز متحصن در دانشگاه را شهید به به اخراج از ارتش ضد مردمی اش می کند و با فشار زیاد اعتماد آنان را می شکند. او در مقابل عملیات ارتجاعی چون آتش زدن ۶۰۰۰۰ نفر به مجاهد و حمله به نیروهای مترقی و کمونس نیست و در بند بودن ۱۸۰۰ زندانی سیاسی سکوت می کند و سکوت در مقابل چنین اعمالی معلوم است چه معنایی دارد. او با فریبمانگی اش عمدتاً به یاری سرما به داران می شتابد و کارگران را به "نظم" بورژوازی و با در حقیقت به دست کشیدن از مبارزه فرا

ما معتقد هستیم که مبارزه با ستمگرچنین چون بهیشتی ها و یزیدی ها و لیبیرالهای خائنی چون بازرگان ها و نیروهای امپریالیستی نمی تواند با انکا به بورژوازی و فریب ستمها شی چون بنی صدر صورت گیرد، این مبارزه فقط و فقط با انکا به توده ها و نبرد انقلابی آنان میسر است. ما به وعده و وعده ها و عنایت "بالائی ها" چشم نمی دویم و به تفاهوت سیاستها و اختلافات درون هیت ها کمه، اگر چه در مدنظر داریم، ولی تکیه نمی کنیم. ما به مبارزه طبقاتی توده ها و قیل از هر چیزی به مبارزه طبقاتی طبقه کارگر چشم داشته و بر آن تکیه می نمایم. چرا که می دانیم این تنها طبقه کارگرا ست که می تواند بدون هیچ سازش و متزلزل تا قله محاکمه و نابودی ستمگر بیهای سرما به داری وابسته و امپریالیسم به پیش رود. چرا که می دانیم این تنها طبقه کارگرا ست که پیگیر ترسین مبارز در راه کسب دموکراسی و استقلال است. بر این اساس می گوئیم تا دموکراتیک و ستمگری و انقلابی رادز میان توده ها برده و آنان را از قریب بورژوازی و توهمات لیبرالی بیرون بیاوریم و بسهم خویش راه انقلاب شکوهمند مردم را هموار سازیم.

ولی سازمان مجاهدین با سیاست راست روانه خود به تداوم این قریب و توهم کمک می رسانند. چرا؟ زیرا مجاهدین می گویند که:

"آزومندند که آماج بنی صدر بهیچوجه در دام ارتجاع و لیبرالیسم نیفتد و الا اساس قدرت و پایه حکومت خود را نیز متزلزل خواهد نمود". (همانجا)

مجاهدین خلق به نماینده بورژوازی نصیحت می کنند تا در دام ارتجاع و لیبرالیسم نیفتد و سپس دلسوزی میکنند که اگر چنین امری اتفاق بیفتد، اساس قدرت رئیس جمهور متزلزل میشود! مجاهدین واقعیت طبقاتی بنی صدر را برده پوشی کرده و به حالت فوق طبقاتی می دهند و وجهه بنی صدر را که همان جبهه "ارتجاع و لیبرالیسم" می باشد را در نزد توده ها پنهان می سازند و توهم توده را نسبت به نماینده بورژوازی عملاً تقویت می نمایند. مجاهدین یک کلام نمی گویند که "پا به حکومت" بنی صدر بر پایه نا آگاهی توده های مردم و توهم آنان استوار است. مجاهدین به قدرت و دولت بنی صدر حقا نیست می بخشند

اشاره کردیم. میان بنادبیتی صدراعوام قریب و با حزب جمهوری اسلامی و سردمداران انحصار طلب و مرتجع آن تفاوتها شی که ناشی از منافع مختلف آنها نیست و وجود دارد. ولی آنچه که اساسی است این است که هر دو با نند فوق دارای یک ماهیت طبقه بندی بوده و هر دو با نند بر زمین ستمها به داری وابسته عمل کرده و در پی آنته تا در آینده نیز عمل نمایند. بر همه کس روشن است که از قیام به امپریالیسم و نند در چهار چوب هیت ها کمه پیوسته علیه انقلاب توده ها و جنبش طبقه کارگر حرکت نموده اند. برخلاف نظرا نحرافی رهبری سازمان مجاهدین "فالمه های نظری" بنی صدر و دیگران نه فاصله بین ترقی خواهی و ضد انقلاب است، بلکه تفاوت در چگونگی سرکوب جنبش خلق و چگونگی اداره نظم سرما به داری وابسته به امپریالیسم است و از آنجا که می بنی صدر جزیک می بورژوازی چیز دیگری نیست، مطمئن باشید علی رغم تمام مغربیی ها و دغل کاری ها هرگز و هرگز، بنی صدر و یارانش نمی توانند در عمل تا "قله محاکمه" کامل ستمهای امپریالیستی "صعود کنند و مبارزه ضد امپریالیستی را در عمل اثبات نمایند. و نه تنها نمی توانند این کار را انجام دهند، بلکه بعلاوه مطمئن باشید و حربیات آتی بطور مشخص تر نشان خواهد داد که راه بنی صدر، راه بازرگانان است، راهی که برش از نظام وابستگی نمی باشد، و همچنین حوادث بعدی با وضوح بیشتر نشان خواهد داد که زمانی که بنی صدر را از استقاده خویش را از شما بنمایند، شما را نیز مورد سرکوب خود قرار خواهند داد.

چنین "تصورات و خوابهای شیرینی" تنها از کسانی ستمی زندک فربیب بورژوازی را خورده اند. در حقیقت چشمک های جناحی از هیت ها کمه و سوی قدرت، آنچنان رهبران سازمان مجاهدین خلق را از خود بیخوده کرده است که آنان نه تنها تمام خیانتهای بنادبیتی صدر در قریب و بعد از ریاست جمهوری را فراموش کرده اند، بلکه تا آنجا به پیش رفته اند که در میان توده مردم بنا دست تبلیغ میکنند که در عصر امپریالیسم بورژوازی "تا قله محاکمه" کامل ستمهای امپریالیستی می توانند به پیش رود! بله، بورژوازی دام می کشد و سوا زمان مجاهدین با پای خود وارد مهلکه می گردد.

### آیابنی صدر صد امپریالیست است!؟

ما برای آنکه نشان دهیم تا چه میزان مجاهدین از خود تا پیگیری نشان داده و دچار توهمات لیبرالی گشته اند در ثبوت برخی از حرکتها و عملکردهای بنی صدر را ذکر می کنیم:

**اول** آنکه بنی صدر از آنجا که از ابتدای امر در "سورای انقلاب" بوده و یکی از وزیران جمهوری اسلامی بوده در تمام جنایات و خیانتهای هیت ها کمه شریک و یارومد مدکارا بر پایه ندهای موجود در آن بوده است.

**دوم** آنکه پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری بنی صدر پیوسته در خط ضد انقلاب عمل کرده است. نمونه های از حرکت بنی صدر بدین قرارند: بنی صدر خواهان "سروسان دادن" به مناسبات "دوستانه" با امپریالیسم آمریکا است. او در مورد شرکت در کنفرانس آمریکا شی اسلام آباد توافق داشته است. او به یاری لیبرالها و جاسوسان خائنی و رسوا شی چگون بازرگان، امیرانتظام و میناچی می شتابد و از آنان

آیت الله خمینی است و توده عوام از آن پشتیبانی می کند، دارای مشروعیت می باشد.

مگر نه اینکه هر تصمیم مهم دولتی درباره سرکوب مردم و انقلابیون (کردستان، ترکمن صحرا) و نیز علیه آزادیهای دموکراتیک و حقوق مردم توسط "شورای انقلاب" صورت گرفته است؟ مگر نه اینکه اگر قرارداد های اسارت با ربا جها نخوان افشا و الفا نشده مورد تائید و حمایت "شورای انقلاب" و دولت بوده است؟ مگر نه اینکه "شورای انقلاب" بار و بددکار لیبرال های رسوا بوده است؟ پس این ارگان ها دارای کدام مشروعیت اند؟ اگر "شورای انقلاب" و دولت حمایت مردم نا آگاه را با خود دارد، این امر بهیچوجه دلیلی برحقانیت و قانونیت آنها نمی باشد. "شورای انقلاب" جز قریب، نیرنگ و توطئه علیه انقلاب کار دیگری انجام نمی دهد. وبه همین خاطر چنین ارگان هایی برای توده انقلابی بهیچوجه دارای مشروعیت نیستند.

در حقیقت مشروعیت کاذب بخشیدن به دولت و "شورای انقلاب" حمایت از بورژوازی و اقدامی کاملاً انحرافی و بضرر انقلاب مردم می باشد. سازمان مجاهدین با این اقدام خود تزلزل و توهم خود را نسبت به بورژوازی نشان میدهد. شاید کسانی باشند و بگویند که این یک تاکتیک آگاهانه است ولی ما می توانیم این امر عوارضی است و کتمان نمودن حقیقت از چشم مردم می باشد، پوشانیدن حقایق برای گرفتن امتیاز از بورژوازی است. از طرف دیگر تحلیل کاملاً انحرافی مجاهدین نشان میدهد که آنان چقدر از بخشهای پیشرفته جنبش توده ای عقب هستند که می گویند توده ها "صبر و بردباری" شان تمام خواهد شد. در پاسخ ما می گوئیم خلق کرد، خلقی ترکمن و سایر توده های آگاه همین دیر زمانی است که در برابر بحران ها صبر و بردباری شان به آخر رسیده است. آنان به این خاطر مبارزه میکنند چون دیگر اعتمادی به "دولت"، "شورای انقلاب" و ... ندارند. توده های آگاه خود بلند شده و حتی مبارزه خونینی برای کسب حقوق حقه خویش به پیش میبرند زیرا بورژوازی علیه آنهاست.

## آیا مجلس راه کسب استقلال و آزادی است؟

حال که مجاهدین به "مشروعیت" دولت بورژوازی اعتقاد دارند، هدف خود را از شرکت در مجلس توضیح میدهند. آنان در تشریح مجاهد می نویسند: "اگر نتوانستند نیروهای امیل و انقلابی را از دور خارج کنند، آینده ایران مسیر دیگری خواهد داشت. این یک انتخابات معمولی نیست. انتخاب میان این کاندیدا و آن کاندیدا نیست، بلکه انتخابی است میان جامعه و راه. خطیای سرمایه داری وابسته و ارتجاعی از یکطرف و جامعه و راه حل ضد استثمار توحیدی و انقلابی از طرف دیگر".

(شماره ۲۲، ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸، تاکید از ماست) ما با رها از دیدگاه علمی توضیح داده ایم که مجلس در شرایطی که سرمایه داران بر سر کار هستند، در زمانی که دولت، ارتش و دستگاه های سرکوب دیگر از آن سرمایه داران است، مجلس نیز به یکسانی دیگر از ابزارهای همین طبقه استثمارگر می باشد. سرمایه داران همیشه سعی میکنند مردم را فریب

کرده است. چنین سیاست راست روانه در قبال قدرت حاکم این انتظار را در نزد توده ها بوجود می آورد که اهداف انقلابی آنان توسط یک نیروی ضد انقلابی و فریبکاری می تواند تحقق یابد.

وبعدا زمان مجاهدین در مقابل بورژوازی و مانورهای او آنچنان دچار خودباختگی و عجز شده که می گویند ما علیه بنی صدر "چنین و چنان" نخواهیم کرد و این امکان را می گذارند که بنی صدر مظهر "اراده خالق و خلق" گردیده و بسا برای مطرح می نمایند "ما هیچکاری نمی توانیم بکنیم". ما از رهبری سازمان مجاهدین می پرسیم شما می گویید این چنین به بنی صدر اعتماد داشته و منتظر معجزات او هستید، چرا برای ریاست جمهوری به او رای ندادید؟ شما در برابر بورژوازی آنچنان دچار خود بیگانگی و توهم شده اید که در کشش میکنید و حتما در پی آن هستید تا "چنین و چنان" نکنید و با در واقع در برابر بنی صدر دولت بورژوازی او دست از مبارزه بکشید. آیا این اظهار عجز و ناتوانی رهبری در مقابل بورژوازی توهین بیک سازمان انقلابی و تحقیر توده های انقلابی این سازمان بشمار می آید؟ رهبری مجاهدین باید پاسخ گوید!

## ۲ نقطه نظر مجاهدین در قبال مجلس بورژوازی:

زحمت کشان تصویب شود. نمایندگان واقعی مردم بلندگوهای مردم در مجلس خواهند شد و بدون هیچگونه سازش و تزلزل امیرالیهیستها، مرتجعین و لیبرال های خائن و رسوا را افشا خواهند نمود. بنا بر این دشمنان مردم مخالف و روه نمایندگان مردم می باشند. آنان توطئه ها و اشکال تراشی های متعددی خواهند کرد تا مجلس در انحصار خودشان باقی بماند. این امر طبیعی است چون نیروهای لیبرال و ارتجاعی دشمن انقلاب مردم هستند. اینان میخواهند مردم در نا آگاهی باقی بمانند تا به حاکمیت تحمیلی و ارتجاعی خود ادامه دهند. اینان که علیه منافع مردم هستند هیچگونه حقانیتی ندارند و بدین خاطر می خواهند از طریق زور مردم را خاموش کنند و با از طریق دیگر مردم را فریب دهند. در این ارتباط اینان می خواهند مجلس ابزاری در دست فقط خودشان باشند تا با دروغهای خود کارگران، دهقانان و سایر توده ها را گول بزنند.

## آیا دولت و "شورای انقلاب" دارای مشروعیت میباشند؟

دومین نکته اینکه مشروعیت نداشتن یا قانونیت و حقانیت نداشتن یک نیرو به اشکال تراشی آن نیرو خلاصه نمی شود، از نظر هر نیروی انقلابی قانونیت نداشتن یک نیرو بستگی به ماهیت آن نیرو دارد، یعنی اگر آن نیرو انقلابی باشد و در خدمت مردم و انقلاب باشد قانونیت و مشروعیت دارد، والا خیر. بنا بر این مجاهدین قبل از آنکه بخواهند نیروی مورد نظر خود را بر اساس یک نمود (اشکال تراشی) قضاوت کنند باید ماهیت طبقه ای آنرا بر ملا سازند. سومین نکته اینکه ما سوال می کنیم آیا "شورای انقلاب" و دولت که عملاً در دست لیبرالها، عناصر وابسته، قشربون جنگ افروزان انحصار طلبان است دارای مشروعیت و قانونیت می باشد؟ جواب مجاهدین مثبت است، ولابد دلیلشان هم اینست که مثلاً چون "شورای انقلاب" مورد تائید

برای خود راه فراری باز نگذارد، ولی سیاست عمیقاً راست روانه و توهم انگیزا و کاملاً نمایان است. سازمان مجاهدین بدون توجه به ماهیت طبقه ای بورژوازی بنی صدر چنین الفا می کند که "و بواقع انقلابی و مردمی" می تواند عمل کند و می تواند استقلال و آزادی ایران را به ارمغان آورد. ممکن است سازمان مجاهدین ایراد بگیرد و بگوید که ما گفته ایم: "اگر چنین شود، چنان می شود". ولی در پاسخ باید گفت ما هیت بورژوازی مشروط نیست، ما هیت بورژوازی یکی است. با این ماهیت اجازه میدهد که بنی صدر "مرد انقلابی" باشد و قاطعانه علیه امیرالیهیسم مبارزه کند و با این ماهیت کاملاً فاقد چنین جوهر انقلابی می باشد. از آنجا که ما هیت بورژوازی ضد انقلابی است با صراحت تمام و روشنی کامل با بد توده ها رانست به این ماهیت آگاه نمودن آنان را از بندهای بورژوازی خلاص نمود، باید از طریق ارتقا آگاهی طبقاتی ظرفیت مبارزاتی توده ها را سکون نمود. بنا بر این زمانیکه "اکرها" ردیف نمود، این امر نشانگر آنست که مجاهدین نسبت به ماهیت بورژوازی، خود دچار توهم و دودلی بوده و "سراب" قدرت در کتار بورژوازی آنان را شیفته خود

خال که مجاهدین چنین نظرات نادرستی در قبال بورژوازی و نماینده آنان دارند، روشن است که کسب از انحرافات بس مهم دیگری نیز باشند. واضح است که سرمایه داران و جاسوسان آمریکا و انحصار طلبان که در هیئت حاکمه کمنیتی موجودند تمام کوشش خود را بکار می برند تا نمایندگان واقعی توده محروم مردم یعنی کمونیستها و سایر انقلابیون از جمله سازمان مجاهدین خلق نتوانند به مجلس بروند. چون آنان میدانند اگر کمونیستها و انقلابیون دیگر داخل مجلس راه پیدا کنند، مشکلات بسیاری برای دولت سرمایه داران و امیرالیهیستها بوجود خواهد آمد. اگر نمایندگان واقعی مردم به مجلس بروند سعی خواهند کرد تا تمام توطئه ها را افشا کنند، کوشش خواهند کرد تا قوانین ارتجاعی دولت علیه حقوق مردم را افشا نمایند و بگذارند این قوانین تصویب شود، سعی خواهند کرد تا آنجا که امکان دارد برخی قوانین رفاهی و مترقی برفع

مجاهدین در تشریح مجاهد می نویسند: "... اگر نخواهند در راه مشارکت نیروهای انقلابی پیش از این اشکال تراشی و ایجاد مانع کنند، نه تنها مشروعیت خود، بلکه صبر و بردباری توده های محروم را نیز به سر آورده و در آینده نزدیک گورکن سیاسی و اجتماعی خود خواهند شد". (شماره ۲۲، ۲۳، ۲۴ بهمن ۵۸) اولین نکته اینکه تقدیر مجاهدین در لاف و با ابهام حرف میزنند که کمتر مواردی میتوان گیر آورد که طرف مورد انتقاد آنان مشخص و روشن باشد. در اینجا آنچنانکه زحمت و زحمات کلام مجاهدین برمی آید، منظور از نیروهای اشکال تراش دولت، "شورای انقلاب" و "تاییدم" حزب جمهوری اسلامی و غیره می باشد.

بقیه از صفحه ۹ رثوس بر نامه ...

### تأمین رفاه عمومی زحمتکشان

- ۱۷ - ایجا دکا ردا شم و متنا سب برای همه کارگران
- ۱۸ - جلوگیری از کار اطفال و کهنسالان
- ۱۹ - تامین حداقل دستمزد متناسب با هزینه و سطح زندگی .
- ۲۰ - تامین حقوق اوقات بیکاری، بیماری، ازکارافتادگی و بازنشستگی .
- ۲۱ - برقراری ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته و یکماه مرخصی سالانه .
- ۲۲ - تامین مسکن رایگان، از طریق مصادره کلیه واحدهای بزرگ ساختمانی و اراضی شهری متعلق به سرما به داران بزرگ و وابسته و کمک و سرمایه گذاری دولت انقلابی در این زمینه .
- ۲۳ - تامین بهداشت و درمان رایگان
- ۲۴ - تامین آموزش رایگان از سطح کودستان تا دانشگاه و اجباری بودن آموزش تا پایان دوره را همتائی .
- ۲۵ - اسکان عشایر و تامین شرایط مساعد کار (کشاورزی و دامداری و...)، بهداشت و آموزش رایگان برای آنها .

### تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک برای خلق

- ۲۶ - تضمین آزادی تشکیل و فعالیت احزاب، جمعیت ها و سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی .
- ۲۷ - تضمین آزادی تشکیل و فعالیت سندیکاها، اتحادیه ها و سایر سازمانهای صنفی و سیاسی مترقی و انقلابی .
- ۲۸ - تضمین آزادی تشکیل اجتماعات، نظا - هرات، راهپیمائی، اعتصاب و تحنن برای نیرو - های خلقی .
- ۲۹ - تامین آزادی عقیده، مذهب، بیان، قلم و مطبوعات مترقی و انقلابی و رفع هرگونه تبعیض قومی و مذهبی .

- ۳۰ - تامین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی .

- ۳۱ - برانداختن هرگونه ستم ملی و شناسائی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش، انحاداد و طلبانه و برادرانه خلقها از طریق برقراری خودمختاری خلقها در جوارب ایرانی مستقل و دموکراتیک به مفهوم واگذاری حق اداره کلیه امور منطقه به شورای مرکزی انقلابی خلقها، بجز امور مربوط به برنامه ریزی عمومی اقتصاد، تجارت خارجی، دفاع ملی و سیاست خارجی که بعهده دولت انقلابی مرکزی است .

- ۳۲ - تامین حق رای همگانی مساوی، مستقیم و مخفی در انتخابات نمایندگان شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری .

### اتخاذ سیاست خارجی مستقل و متکی بر منافع طبقه کارگر و خلقهای ایران و سراسر جهان

بقیه در صفحه ۶

در برگیرنده افراد لیبرال مرتجع و نمایندگان خرده بورژوازی که عملا دنباله روشدند، بود و قوانینی که تصویب کرد در خدمت انقلاب خلقهای ایران نبود. بنا بر این مجلس وسیله ای در دست طبقه کارگرا تا از یکطرف مردم را فریب بدهد و از طرف دیگر قوانین ارتجاعی را بنفع خدا نقض و تصویب نماید و روشن است که بورژوازی هر وقت هم خواست می تواند در مجلس را ببندد و تا تک و تسوپ را مستقیما علیه مردم بکار بگیرد .

دهند و آنان را منتقا عدسا زندگه است شما رگران افرادی "نیکوکار"، "مردم دوست" و "قانون پرست" میباشند. و برای این هدف علاوه بر مطبوعات، رادیو تلویزیون مجلس را هم در دست خود دارند. در زمان شاه خائسن "مجلس شورای ملی" پر بود از نمایندگان سرسپرده و فریبکار سرما به داران وابسته و ملاکین مزدور، قوا - نبینی که در آن تصویب میشد همگی در خدمت امپریا - لیسم و سرما به داری وابسته بود .  
در زمان جمهوری اسلامی "مجلس خبرگان" عمدتا

### راستروی مجاهدین در کجاست؟

عمل میکند، در زمانی که سرما به داران بر سر کار هستند، در زمانی که ارتش ضد خلقی و فرما ندهسان مزدور آمریکا ثی وجود دارند، آیا در چنین زمانی می توان از طریق مجلس و کسب اکثریت آنرا (تازه اگر ممکن باشد)، مسیر کشور را تغییر داد، یعنی کشور را از وابستگی در آورد و به آن استقلال بخشید؟ آیا بورژوازی براهی اجاز می دهد که نیروهای مردمی از او طلب مالکیت بکنند و او از قدرت کنار بزنند؟ درشلی امپریا لیستهای آمریکا ثی و نوکران شان بر سر آئنده چه آوردند؟ آیا این حرفها شبیه همان نغمه های شوم فرصت طلبان و رویزیونیستهای خائس حزب توده نمی باشد؟ این راه "راه گذار مسالمت آمیز"، راه همان کسان است که در فرهنگ ما رکستی - لنینیستی به آنان رویزیونیست و مرتدینی گویند. این راه، با راه طرفداران انقلاب یعنی کمونیستهای واقعی و انقلاب بیون دموکرات کاملا متفا دست. این راه حتی در تضاد با سنت انقلابی خود سازمان مجاهدین خلق است. آری تا زمانی که ارتجاع در ایران ما حاکم است. تا زمانی که امپریا لیستها در ایران نفوذ دارند، تنها راه آزادی و استقلال واقعی انقلاب توده ها ست و نه مجلس سرما به داران .

حال ببینیم در کجاست راست روانه و فریبستنی مجاهدین از مجلس چیست؟ آنان می گویند این انتخابات "انتخابی است میان جامعه و راه حل های سرما به داری وابسته و ارتجاعی از یکطرف و جامعه و راه حل خدا ستتماری توحیدی و انقلابی از طرف دیگر" مفهوم جمله بالا چیست؟ منظور آنان اینست که اگر نیروهای انقلابی به مجلس بروند "ایران مسیر دیگری" پیدا خواهد کرد، زیرا جامعه به سمت "راه حل های خدا ستتماری توحیدی و انقلابی" سوق پیدا میکند. یعنی جامعه ایران از سرما به داران وابسته دور شده و به استقلال و آزادی می رسد!  
آیا این سیاست جزیک سیاست کاملا سازشکارانه و اصلاح طلبانه چیز دیگری می باشد؟ آیا این سیاست با سیاست لیبرالها فرقی میکند؟ لیبرالها و سازشکاران هم می گویند "همه کارها" از طریق مجلس قابل حل می باشد و لازم نیست مناسبات کهنه و دستگا هستم و استتمار باروش انقلابی نابود گردد بلکه با بدروش مسالمت آمیز داشت و از طریق مجلس معضلات راحل کرد .  
مسئله اساسی اینست که زمانی که نظام اقتصاد کشور در دایره سرما به داری وابسته به امپریا لیسم

### نتیجه گیری ما چیست؟

دهد. آیا سازمان مجاهدین این مسئله را نمی داند و یا می داند ولی منافع سازمانی و امتیازات آتی حکم میکنند تا در برابر برتوطئه بورژوازی سکوت نماید؟ کدام یک؟

حال با توجه به چنین واقعیاتی، نیروهای چپ از کاندیداهای مجاهدین با توجه به گرایشات لیبرالی در مئی و برنامهای سازمان، می بایست حمایت مشروط بکنند. آنان باید نشان دهند که برنامهم حداقل شان و حرکت انقلابی شان از برنامه و حرکت مجاهدین قاطع تر بوده و دارای مضمونی بگیرمی باشد. آنان می بایست به مبارزه علیه انحرافات سازمان مجاهدین بمنتظور دور نمودن آنان از قطب لیبرالیسم ادامه دهد و در جهت تحکیم سنگر دموکراتیسم و قطب نیروهای انقلابی با تمام قدرت بکوشند. و در عین حال نیروهای چپ راستین باید بطور فعال از کاندیداهای چپ پشتیبانی و حمایت نمایند و بیش از هر زمان دیگر همبستگی خود را نشان دهند. عدم برخورد جدی به چنین امر مهمی جز ضربه زدن به دموکراتیسم انقلابی حاصل دیگری نخواهد داشت .

در دوره اخیر حرکت سازمان مجاهدین خلق نشان میدهد که سیاست آنان نسبت به سیاست لیبرالیسم متمایل شده است. اگر اشته درکی راست روانه و توهیم - انگیز نسبت به انتخابات ریاست جمهوری، همگاری با لیبرالها ثی نظیر "حاج سید جواد" در چهار چوب "شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه"، اگر اشته نظری کاملا راست روانه و انحرافی در باره مجلس و هدف شرکت در آن ... نمودهای روشنی از این تمایل لیبرالی است. مجاهدین در این انتخاب - با تاز لیبرالها ثی چون لاهیجی پشتیبانی و حمایت میکنند ولی از انقلابیون کمونیست که پیگیرترین مبارزین راه آزادی هستند حرفی بمیان نمی آورند. این امر دلیل برجیست؟ آیا دلیل برای این نیست که مجاهدین خود را نسبت به بورژوا - لیبرالها نزدیک تر می بینند تا انقلابیون کمونیست؟ و یا به معنای دیگر این سیاست آیا بمعنای آن نیست که رهبری سازمان مجاهدین تمایل بیشتری به بورژوازی نشان میدهد تا طبقه کارگر؟ امروز بنی - صدر فریبکاری کوشد تا با نزدیک کردن سازمان مجاهدین بخود و اولامیان نیروهای انقلابی تفرقه اندازد و تا نیا کمونیستها را مورد حمله و سرکوب قرار

# قوطفه ارتجاع در کردستان در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی

عوامل ارتجاع و امپریالیسم در تلاشند تا با ایجاد درگیری خونین در مناطقی مانند کردستان و سپس لغو انتخابات در این مناطق مانع ورود نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی شوند.

کنند. در همین زمان گویا ستونی با تجهیزات یک تیب (پاسدار، جاش های مزدور، ارتش) وارد بیجار شده اند و قصد حمله به دیوان دره را که در سر راه (سقز-سنندج قرار دارد) دارند. و این احتمال وجود دارد که بمحض رسیدن ستون از کامیاران به سنندج، پادگان سنندج حمله ای را آغاز کند.

این اخبار و حرکات نگران کننده توطئه گرانه، که بخصوص اعلامیه اخیر لشکر ۲۸ سنندج مبنی بر به اصطلاح آزاد مردم و ایجاد دمازاجت برای ارتش توسط عناصر مسلح، ابعا دآن را برجسته تر می کند، حاکی از احتمال شکل گیری یک توطئه خونین و ضد انقلابی در آستانه انتخابات است.

هیئت حاکمه با تصویب قانون رسوای دوم مرحله ای کردن انتخابات مانعی در برابر ورود نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی به مجلس شورای ملی ایجاد کرده است. لیکن ابوخومی می داند که در مناطقی مانند کردستان و بیاکنید، این قانون نیز برای اوسمزی نخواهد داشت. از همین روست که محافل چنگا فروردین هیئت حاکمه در تلاشند تا از طریق دیگر این سد مانع را بوجود آورند، ایجاد بحران همه جا سبه در منطقه بیاکنید درگیری خونین و سپس عقبه در صفحه ۴

آن سایه افکنده است. حالتی که بسیار شکننده بوده و میتوانند سراشاده توطئه چینی ها و اجبار خلیقی ترکمن به دفاع متقابل در برابر جنگ تحمیلی ارتجاع بمنظور حفظ دستاوردهای انقلابی خود، به سمت گسترش یک درگیری همه جا سبه و سراسری خونین در منطقه شکسته شود.

اکنون در کردستان نیز چنین حالتی در حال شکل گیری است و هرآن میتوانند منطقه و بیا شهرها شی از منطقه را به انفعال ریکشا ندو و درگیری از درگیری مسلحانه را به خلق کرد تحمیل نماید.

مطابق اخباری که از این مناطق رسیده است، این توطئه ها از جانب جناح جنگ افروزرزیم (باند چمران، سران مزدور ارتش، سپاه پاسداران، جاشها، مفتی زاده و مزدوران) صورت می گیرد. جناح ها شی که اگر چه بیوسه در صد دامن زدن به بحران و بوجود آوردن درگیری در منطقه بوده اند، لیکن اکنون به ویژه در موعدا انتخابات به این حرکات خود شدت بخشیده اند. مطابق این اخبار در چند روز گذشته (و هم اکنون نیز) وضع سنندج بحرانی بوده است. لشکر سنندج هشدار و آما ده باش داده است. هلیکوپتر های ارتش در هوا ملبه با شینی بر فراز شهر پرواز می -

بار دیگر کردستان آستان حوادث خونینی است ارتجاع استوار نیز همانند گذشته موعدا انتخابات را برای توطئه چینی و ایجاد حوادث خونبار انتخابات کرده است تا با بوجود آوردن یک بحران خونین در سنندج ارتکک کردستان بفرمان در انتخابات و تریادن نمایندگان واقعی خود به مجلس جلوگیری عمل آورد.

در موعدا دما سبزیها حم خدا انقلابی هیئت حاکمه نیمه سنی ارتجاع منطقه در آستانه انتخابات مجلس حیرکان آغاز کت که هدف عاجل و کوتاه مدت آن اخلال در امر انتخابات در کردستان و جلوگیری از ورود احتمالی نیروهای نیکان مترقی به مجلس و هدف دراز مدت و سراسری آن بند حک آوردن دستاوردهای انقلابی خلق کرد در طی ضاررات بفرمانها شی قبل و پس از ان مومصلاتی کردن و در هم کشتن نهادها و نیروهای انقلابی این منطقه بود.

حال گویی تاریخ دوباره تکرار میکرده است. گویا ارتجاع در سراسری صورت میگرد که وضع سیاسی و معادلات نیروها نیزمان زبادی تغییر یافته است. اگر در موعدا دما هکده، بیروزی نمایندگان را یعنی مردم سزای راه با فنی به مجلس حیرکان (در تریکی که انتخابات در شرایط مساعدی صورت می - گرفت) امکان (اما احتمال قوی) قلمداد شد. در سراسری گویی و بند برکت دستاوردهای سزای این دوره حدمما هخلق کرد نفوذ بسیار به نیروهای انقلابی و کمونیست در میان نموده های این منطقه. در انتخابات کنونی مجلس این احتمال، به یک امر حتمی و بلا ترد تبدیل شده است.

انتخابات، اگر در کردستان در شرایط مساعد و آرام صورت گیرد، منظور نفس میسوان گفت که در اکثر سبزیهای این منطقه، نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی سرور خواهند شد. و حسب ارتجاع نیز در ست از همینجا بر حمله میگرد و توطئه جناحهای جنگ افروز هیئت حاکمه در کردستان نیز دقیقاً بر مبنای همین وحشت و هراس است که در حال شکل گیری است.

سخی از این توطئه را در جریان گنید ملاحظه کردیم. منطقه ترکمن صحرا و ظلت آن کشید، سزای آن مناطقی معدودی است که احتمال بیروزی نمایندگان مترقی و واقعی خلق ترکمن و کت نمایندگان واسند ارتجاع و هیئت حاکمه بسیار زیاد است. توطئه ای که در این منطقه شکل گرفت و منجر به کشتار سرحما به تعداد زیادی از مردم مبارز در شهر کت شد. کردید، درست بدین منظور و بخاطر ایجاد یک درگیری سراسری وسیع و بحرانی کردن منطقه و بدین ترتیب اخلال در امر انتخابات در آنجا آغاز کت. لیکن هشیاری خلق ترکمن و درگیری و تضادهای میان جناحهای متضاد هیئت حاکمه این توطئه را در اولین کامپایش خشن نمود. لیکن منطقه ترکمن صحرا هنوز دستخوش بحران است و یک حالت نا با بدار موقت بر

کردن مبارزات خلقها و شناساندن لزوم رهبری پرولتاریا به آنها است که ریشه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن نابود خواهد شد، در طول مبارزات خلقها اعلامیه و خبرهای مربوط به مبارزات مردم تبریز را در هر شرایطی به کردستان می برد و بهمین گونه برای مطلع کردن مردم تبریز از مبارزات قهرمانانه خلق کرد، گوش می نمود. رفیق در بسیاری از تظا - هرات راه پیمائی های خلق کرد در سنندج، سقز و مهاباد شرکت داشت.

وی بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نیز از فعالیت با زنا بیستاده و در دانشگاه در تاسیس تشکیلات دانشجویان مبارز شرکت فعال داشت و دانش آموزان و توده های زحمتکش را در حد توانش با تمام ما ندن انقلاب و مبارزات ارتجاعی مترجمی و خیانت آنها و همچنین حقانیت رهبری پرولتاریا آشنا کرده است.

بعد از یورش ارتجاعی به کردستان مدتی را در مهاباد بسر برد و به فعالیت سیاسی خود ادامه داد و آنگاه در مهر ماه ۵۸ به سنندج آمد تا با دیگر پیوند خود را با دوستان دانش آموز و توده های ستم دیده خلق کرد تجدید کند و همراه آنان باشد و اینک برای توضیح آرمانهای طبقه کارگر و خواسته های عادلانه خلقهای تحت ستم و کلیه زحمتکشان و افشای مواضع دشمنان خلق بعنوان کاندیدای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت می کند.

بقیه از صفحه ۸  
یار دلیر ...

گرفت. دانش آموزان را در غیاب او به سوال و جواب می کشاندند که معلم شما در کلاس چه می گوید؟ به شاه ناسزای می گوید؟ کتاب برای تان می خواند و هزاران سوال دیگر ... هوشیاری و آموزش دانش آموزان که در ارتقا رفعا لانه رفیق و رفاقت و صمیمیت موجود بین آنها بدست آمده بود، باعث شد که عنا صرقل و خود فروخته رژیم مزدور شاه هیچگاه نتوانند کوچک ترین مدرکی برای دستگیری او تهیه نمایند.

رفیق علاوه بر کار معلمی در ارتباط نزدیک و فعالی با خانواده های دانش آموزان خود که کثراً پدرانشان کارگروما در انشان زحمتکش بودند، قرار داشت و بهمین ترتیب نیز با زندگی کارگران آشنا شد و مفهوم مبارزه طبقاتی را بیشتر دریافت. وی با پذیرش ایدئولوژی طبقه کارگر نشان داد که به درک عمیق تری از مبارزه دست یافته است.

او در دانشگاه نیز در اکثر مبارزات دانشجویان بر علیه رژیم منفقور پهلوی فعالانه شرکت میکرد. در اوج گیری مبارزات توده ها و گشاندن مبارزات دانشجویان میان توده ها با آنان همراه بود. در دوران سیاه حکومت نظامی در تبریز هم با دیگر رفقای انقلابی خود در محلات کارگرنشین اطراف شهر دست به تظاهرات می زد و بارها و بارها از زیر گبار گلوله های دشمنان رژیم منفقور پهلوی جان سالم بدر برد. او با اعتقاد به اینکه تنها با یکپارچه و سراسری



## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

# چشمش گارگری



## کارگران مبارز قرقه زیبا شورای تحمیلی را پذیرفتند

تهران

پس از انحلال شورای فدکای رگری کارخانه قرقه زیبا در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۵ کارگران شورای موقت خود را تشکیل می دهند، اما هنوز شورای مذکور کار خود را شروع نکرده با توطئه بکاشی (رئیس فدکای رگری کمیته دیو) و دارودسته شورای قبلی از هم میباید و نمایندگان شورا قبل از ورود به کارخانه، مقابل در ورودی آن پس از مضروب شدن توسط پاسداران سرمایه دستگیر و به کمیته منتقل میشوند.

روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۱۴ بکاشی جهت سخنرانی و روشن کردن وضع شورا به کارخانه می آید و پس از مقدار زیادی تعریف از خود، معاویش (معاون ایشان مدت ۲۴ سال افتخار دست بوسی شاهان را بدست کشیده اند!) طرح انتخاب شورای جدید را بیان می کند. مطابق طرح ایشان حداقل سن برای انتخاب شونده ۲۳ سال و حداقل سابقه کار یکسال تعیین میشود که بر اساس آن حدود ۵۰۰ نفر از کارگران نمی توانستند از زمین خودنماندیده ای داشته باشند، تازه کاندیدها باید مورد تأیید بکاشی و دارودسته اش باشند و گرنه انتخابات انجام نخواهد گرفت.

روزیشنبه ۵۸/۱۱/۲۰ انتخابات در فضای بسیار حضور پاسداران مسلح، اعضای شورای قبلی و... برگزار میشود. کارگران با چگونگی شرکت خود در این انتخاب آگاهی و عدم رضایت خود را از شورای تحمیلی بنمایش میگذارند. مدفرا از کارگران انتخابات را بکلی تحریم کرده و عده ای رای سفید و یا خط خورده به صندوق می ریزند. سردیک به سند و پنجاه نفر نیز به کارگرانی غیر از کاندیدهای اعلام شده رای می دهند. نتیجه انتخابات بقدری رسوا بوده که هنوز نتیجه آن اعلام نشده است.

### مبارزه

## کارگران شرکت نفت - ایرانشهر

روزشنبه ۵۸/۱۱/۱۳ کارگران شرکت نفت ایرانشهر در جهت تحقق خواسته های خود دست به اعتصاب میزنند. اعتصاب کارگران شرکت نفت بتدریج چهره شهر را عوض میکند و تعداد دکتیری از اتوموبیل های حمل و نقل و... بعلت نبود سوخت متوقف میشوند. بعد از ظهرها ترومقامات شهری نزد کارگران رفته و برای بررسی خواسته های آنان ۵ روز مهلت می خواهند. کارگران با توجه به نیاز مردم و سرمایه زمستان با مهلت فوق موافقت می کنند. لازم است گفته شود که حقوق کارگران هنوز بعد از ۱۶ ماه که می بایست ۵۶۷ ریال باشد در سطح روزانه ۳۰۰ ریال نگهداشته شده و شرکت نفت تاکنون از پرداخت کامل حقوق آنان سر باز زده است. خواسته های کارگران شرکت نفت عبارتند از:

- ۱ - پرداخت کامل حقوق کارگران.
  - ۲ - پرداخت مابهالتفاوت از مهر ماه ۵۷ تا این تاریخ یعنی بهمن ماه ۵۸
  - ۳ - اجزای ۴۰ ساعت کار در هفته با توجه به بخشنامه وزیر نفت در مورد کارگران نفت.
  - ۴ - ایجاد بهداشت در محیط کار.
- (بمنقل از نشریه بلوج شماره ۱۳)

## انتقاد از خود به سبک "سه جهانی"

در یکی ازشرکتهای خصوصی پروژه ای (بدلایی) از ذکر مشخصات این شرکت خودداری می شود (که کارفرمایش یکی از مدافعان تر ضد خلقی "سه جهان" و از طرفداران حزب به اصطلاح "رنجران" میباشد کارگران را به بهانه نبودن کار در فصل زمستان و... اخراج می کند.

کارگران مبارز کارفرمای فدکای رگری شرکت را به گروگان گرفته و به محاکمه می کشند.

ابتدا کارگری می پرسد: آقای... چرا شما که کار نمی کنید سرمایه داران را در شنیدید ولی ما که همیشه زحمت کشیده ایم همچنان در فقر و بدبختی زندگی می کنیم؟

کارفرمای سرمایه دار می گوید: "من خودم اول کارگری بودم و حالا هم طرفدار طبقه کارگرم!"

کارگری دیگری می پرسد: آقای... شما از اول طرفدار طبقه کارگری بودید و یا پس از اینکه سرمایه دار شدید طرفدار کارگران شده اید؟

کارفرمای می گوید: من از اول طرفدار طبقه کارگر بودم، الان هم هستم، ولی واقعا از اینکه سرمایه دار شده ام، انتقاد دهنم وارد هست!!

### بقیه از صفحه ۲

دومین ...

سرمایه داری وابسته ها تا نام میبند. حرکت رحمد - کسان تیریز در واقع خط بطلانی بود که سرنام خوب و خیالهای لیبرالها و سازشکاران کشیده می شد؛ لیبرالهایی که با شروع اعتلای انقلابی نغمه های اعتراض آمیز خود را تنها در محدوده حفظ قانون اساسی و نظام شاهنشاهی سرمی دادند و ادامه و بیکیری انقلاب آنها را شدت هراسناختن بود. قیام تیریز با ردیگر نشان داد که تنها توده های ستمدیده و زحمتکشان هستند که قادرند مبارزه و انقلاب را از عرصه حرف به میدان عمل در آورند و قاطعانه با تمام نیرو علیه سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری وابسته بستیزند.

خاطره قیام پرشکوه و افتخار آفرین مردم قهرمان تیریز همواره در یادها ماندنی است!

\*\*\*

برنوان با دمبارزات دموکراتیک و فدائیمپریالیستی خلقهای قهرمان ایران!

### بقیه از صفحه ۷

رفیق جلیل ...

دستگیری عده ای ازاعضای و رهبران سازمان مجاهدین در شهریور ۱۳۵۰ مخفیانه از طریق مرز ترکیه به ایران بازگشت. مبارزه و در آن شرایط دشوار در کنار مجاهدین ادا می یافت و در تاریخ ۳۰ مهر ماه همان سال همراه با مجاهدین شهید حنیف نژاد و رسول مشکین فام و چند تن دیگر طی بوشی که به محل اقامت آنان شد، دستگیر گردید.

تا اردیبهشت ۵۰ در زندان اوین بود و وقتی به حبس ابد محکوم شد و را به زندان قزل قلعه و قصر منتقل کردند و در دیماه ۵۱ بعلت درگیری با پلیس زندان به برار جان تبعید شد. در بهمن ۵۱ همراه با دیگر زندانیان سیاسی به شیراز انتقال یافت. در درگیری روز ۲۶ فروردین سال ۵۲ در زندان، پلیس او را بعنوان یکی از محرکین این حادثه قلمداد نموده همراه با ۱۳ تن از مبارزین دیگر بمدت ۱۵ روز در بدترین شرایط ممکنه (دستها از پشت بسته، چشمها بسته و با ها در زنجیر) قرار گرفت. سپس از آن ۶ ماه را

در سلول انفرادی گذراند.

مطالعات و بحثهای درون زندان و تحلیل های که نسبت به مسائل سیاسی و ایدئولوژیک در زندان بعمل می آمد موجب شده که و نیز مانند تعداد قابل توجهی از همزمان مجاهدش در سال ۵۴ بطور قطع از ایدئولوژی قبلی اش (ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق) ببرد و ما رکیسم - لنینیسم، ایدئولوژی طبقه کارگر را پذیرا گردد.

در ۱۷ شهریور سال ۵۷ بعلت نقشی که در شکل گیری اعتصاب غذای سه روزه زندانیان سیاسی شیراز در اعتراض به کشتار مردم بدست رژیم شاه داشت، به زندان ستنندج تبعید گردید و مدت سه ماه وانندی نیز در این زندان گذراند. اما موج توفنده مبارزات توده ها در های زندان ها را بر روی قهرمانان خلق گشود و رفیق سید احمدیان نیز آزاد گردید!

پس از آزادی از زندان و تماسی که با سازمان بیکار برقرار کرد به عضویت آن در آمد و امروز یکی از زو مندگان ارجمند سازمان ماست.

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

# گرامی باد خاطره رفیق شهید مرتضی خاموشی

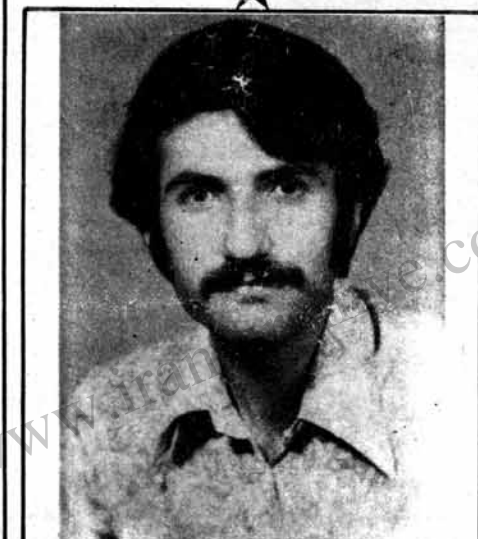
رفیق مرتضی خاموشی در سال ۱۳۳۵ در خانواده ای متوسط و مذهبی در تهران متولد شد. پس از اتمام دوره متوسطه در دبیرستان علوی، برای ادامه تحصیل در سال ۴۹ به آمریکا رفت. در آنجا در کنار تحصیل و کار در ارتباط با انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا فرا گرفت و در فاصله کوتاهی یکی از مسئولین فعال انجمن گردید. دکترای ابراهیم یزدی وزیر خارجه سابق و دکتر مرتضی جمران نژاد همسر انجمن فعالیت داشتند.

اما فعالیت رفیق خاموشی در انجمن مرسوم، زیاد طول نکشید، چرا که پرا تیک محسود و انجمن نمی توانست با سخوی نیا زهای مبارزاتی او بسازد. روح جستجوگر و فعال رفیق در جستجوی راه و سوادسانی مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه خائن و نظم سیاسی سلطه امپریالیستها از میهن ما بود. او با او حکمرانی فعالانتهای مسلحانه انقلابی در داخل کشور و دستگیری عده ای از دوستان قدیمش که در زندانها با سازمان مجاهدین خلق ایران، در شهر نیویورک، بریدان انقاد بودند، راه خود را بسوی پیوستن به انجمن انقلابی انتخاب نمود. آمریکا و تحصیل را رها کرد و با انسان نام در او احوال ۵۵ به سازمان مجاهدین (بخش خارج کشور) پیوست.

رفیق مرتضی در جریان آموزشهای نظری و عملی در ایران و همچنین در فعالانتهای سیاسی - تشکیلاتی برخوردار شد. او در حل مسائل سیاسی، مسلک، در برخورد با مسائل سیاسی - تئوریک، دارای دهبی با زور سریع الانتقال و همچنین از روحیه ای گرم، نداد و بیتر تحریک برخوردار بود. رفتاری ایرانی و عرب که در منطقه عربی او را با نامهای مسما را سماعیل و ماحدی شناختند. همگی اسرزی سرتاز، تحریک زیاد، جهره، با نشاط و شیمی او را با خرد دارند.

رفیق مرتضی خاموشی دوره آموزش نظامی خود را در پاکستان و فلسطین گذراند. او در پائیز سال ۵۸ مسئولیت اجرای برنامه رادیویی "صدای انقلابیون ایران" را از طرف سازمان سپهه گرفت. این رادیو محمی با مشارکت سازمان وعده ای از مبارزان که اکنون نام سازمان وحدت کمونیستی دارد فراهم شده بود، و تقریباً یکسال که این رادیو امکان بخش برنامه های انقلابی، افشای حیاسات رژیم شاه و تبلیغ رهنمودهای انقلابی دو سازمان جریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران را داشت. با جدیت تمام این وظیفه را در کنار سایر

نمونه یک انقلابی رهنورد و پرتلاش مادر سالهای خفقان: از: انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا به: سازمان مجاهدین خلق ایران و پیانگاهای انقلاب فلسطین.  
انجام وظایف انقلابی در رادیو "صدای انقلابیون"  
اداره رادیو بخش فارسی جبهه خلق برای آزادی عمان  
قرار گرفتن در موضع مارکسیستی و انجام وظایف انقلابی در رابطه با نیروهای مترقی منطقه  
با زکشت مخفیانه به ایران و فعالیت در بخش کارگری سازمان  
قطع شدن ارتباط تشکیلاتی و خروج از کشور  
با زکشت مجدد با سلاح و کوله با ری از تجربه و عشق به خلق و... شهادت



و وظایف انقلابی خود انجام داد. در اردیبهشت ۵۳ در چهار رجب و روابط سازمان با جبهه خلق برای آزادی عمان به عدن اعزام شد و از آن زمان بمدت یکسال برنامه فارسی رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان را اداره کرد. در حالیکه همزمان با آن ما موریتیهائی را در زمینه روابط سازمان با سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی منطقه نیز عهده دار بود.

رفیق خاموشی در رابطه با تحولات ایدئولوژیک درونی سازمان مجاهدین در موضع مارکسیستی قرار داشت و خود حتی پیش از تشبیت این موضع در بخش



رفیق مرتضی، در ماحبه مطبوعاتی خلیان اسیر ایرانی در زندان

منشعب، در جهت آن فعالیت میکرد. رفیق مرتضی در مدت چند سالی که در منطقه عربی بود، از تجربیات، دستاوردها، شکستها و پیروزیهای مبارزات خلقهای قهرمان فلسطین، عمان و یمن دمویکرا تیک نمونه های زیادی را بچشم دیده با شوق زیاد آنها را برای سایر رفقا نقل می کرد. او به اتکاء آموزشهایی که در سازمان انقلابی خود دیده بود، پیروزیها و شکستها را در کنار هم می دید و میکوشید آنها را بررسی کرده از آنها درس بیاموزد. او از همین زاویه دید با تجربیات انقلابی فلسطین و عمان برخورد میکرد و آنها را به سازمان منتقل می نمود. او که بخصوص در مراحل حساس انقلاب عمان - بویژه زمانیکه ارتش شاهملات و حشانه خود را علیه انقلاب و خلق عمان شدت می بخشید - همراه رفقای عمانی زیسته بود. می کوشید پرا تیک غنی انقلابی این خلق را بعنوان تجربه ای ارزشمند در اختیار سازمان خود قرار دهد.

رفیق مرتضی در او احوال ۵۴ مخفیانه به ایران آمد و به فعالیت انقلابی خود در داخل کشور اقدام داد. این دوره فعالیت او، مصداق با اوج اعتصابات و مبارزات کارگری بهار سال ۵۵ بود. رفیق که در این زمان در شاخه کارگری سازمان فعالیت داشت، خود بطور فعال و از نزدیک، همراه سایر رفقای هم - رزم، جریان اعتصابات کارخانجات با فکار و... را دنبال می کرد.

متاسفانه پس از چند ماه فعالیت در جریان تعقیب و برخورد با شورهای پلیسی، ارتباطش با سازمان قطع شد و پس از آنکه دیگر مکانی برای برقراری مجدد نیافت پس از چند ماه تلاش و به اتکاء امکاناتی که خود فراهم آورده بود توانست بطور قاچاق از مرز خارج شده و مجدداً با بخش خارج از کشور بخش منشعب سازمان مجاهدین رابطه برقرار نماید.

چند ماه فعالیت انقلابی تشکیلاتی و در تماس مستقیم با طبقه کارگر، رفیق را با دید عینی بیشتر معتقد نموده بود که ضروری است برای کار در میسبان طبقه کارگر نیروی هر چه بیشتری صرف شود. او و تحارب خود را در رابطه با بخش نشریه "قیام کارگر" ارگان کارگری بخش منشعب با شور و علاقه زیادی برای رفقا با زکومی کرد.

رفیق خاموشی در زمستان ۵۵ برای بار دوم همراه با رفیق شهیدها یده (حوریه) با زرگان، مخفیانه به ایران بازگشت. آنها با سلاحهایی که با خود حمل می کردند ما لم به تهران رسیدند اما نتوانستند سرقرارهای خود حاضر شوند.

چندین ماه بعد معلوم شد که رفقا جهت رهاشی از دام پلیس، مجدداً قصد خروج از کشور را داشته اند ولی در نزدیکیهای مرز با زرگان در مواجهه با تعقیب پلیس، قرصهای سیانور خود را جویده و بسه شهادت رسیده اند. (احتمالاً ۳ اسفند ۵۵) دو سال بعد پس از تصرف مراکز واک در جریان قیام بهمن ماه، عکسی که چنانچه های این دور رفیق را همراه با سلاحها و مدارکی که با خود داشتند نشان میداد، به دست مبارزان افتاد.

خون این رفقای شهید همچون خون هزاران شهید دیگر که در راه مبارزه با نفوذ سلطه امپریالیسم و ارتجاع و در جهت برانداختن هرگونه ستم طبقاتی و ملی مبارزه کردند و پیروان و وارثان خویش را فدای آزادی زحمتکشان ساختند، دینی است در گردن ما. این خونها ما را به ادامه انقلاب رهاشی بخش زحمتکشان فرامی خواند.